

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام مسجد (۷)

نسیم کرامت

ویژه ائمه محترم جماعات

نویسنده: رضا وطن دوست

ویراستار ادبی: میثم محتاجی

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول: مردادماه ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان

واحد آموزش و پژوهش

نشانی: مشهد، حرم مطهر، دوربرگردان طبرسی، جنب بنیاد پژوهش‌های
آستان قدس رضوی، ساختمان مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، طبقه

اول، مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان.

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۲۸۱۷۴۴

رایانامه: INFO@MASJEDKH.IR

پایگاه اطلاع رسانی: WWW.MASJEDKH

فهرست مطالب

سخن ناشر	۷
مقدمه	۹
ماه ذیقعده	۱۱
روز اول: آغاز دهه کرامت	۱۳
جلسه اول: ولادت حضرت فاطمه معصومه (ع)	۱۳
روز ملی دختران	۱۵
جلسه دوم: نگاهی به مقام عبادی فاطمه معصومه (ع)	۱۷
جلسه سوم: مقام علمی فاطمه معصومه (ع)	۱۹
الف: پاسخ عالمانه به پرسش‌های دیگران	۲۱
ب: نقل حدیث	۲۲
روز سوم برابر با ۸ شهریور	۲۵
۱. آغاز هفته دولت	۲۵
۲. روز مبارزه با تروریسم	۲۷
روز ششم: روز بزرگداشت احمد بن موسی	۲۸
روز هفتم برابر با ۱۲ شهریور: روز مبارزه با استعمار انگلیس	۲۹
روز یازدهم: ولادت با سعادت امام رضا (ع)	۳۵

- جلسه اول: نگاهی به شرح حال امام رضا (ع)..... ۳۵
- نام و القاب ۳۶
- کنیه ۳۸
- جلسه دوم: ادامه شرح حال امام رضا (ع)..... ۴۰
- پدر و مادر ۴۰
- فرزندان ۴۲
- همسران ۴۶
- دوران امامت ۴۶
- شهادت و محل دفن ۴۷
- جلسه سوم: رابطه عاطفی امام رضا (ع) با شیعیان ۴۷
۱. خیرخواهی به شیعیان ۴۸
۲. عنایت به جنازه دوستان ۵۰
۳. رابطه عاطفی در قیامت ۵۲
- روز دوازدهم برابر با ۱۷ شهریور، روز مبارزه با بیسوادی ۵۳
- روز پانزدهم برابر با ۲۰ شهریور: ۵۹
- حادثه اصابت دو هواپیما به برج‌های تجاری در نیویورک ۵۹
- روز بیست و سوم: روز زیارتی امام رضا (ع) ۶۱
- جلسه اول: فضیلت زیارت امام رضا (ع) ۶۲
- روز بیست و پنجم: ۷۲
۱. روز دحو الأرض ۷۲
۲. آغاز عزیمت سیاسی امام رضا (ع) از مدینه به مرو ۷۶
- جلسه اول: اقدامات امام برای فزونی شیعیان در ایران ۷۶
- جلسه دوم: ادامه اقدامات امام برای فزونی شیعیان در ایران ۸۲
- روز بیست و ششم برابر با ۳۱ شهریور: آغاز جنگ تحمیلی و هفته دفاع مقدس ۸۸
- بیست و هفتم برابر با اول مهر: ۹۲

فهرست مطالب: ۵//

جلسه اول: آغاز سال تحصیلی و بازگشایی مدارس	۹۲
جلسه دوم: نقش علم در بالندگی انسان	۹۵
روز آخر ذیقعد: روز شهادت امام جواد علیه السلام	۹۸
اعجاز در پذیرش مسئولیت امامت در کودکی	۹۹
ضمیمه	۱۰۲
اقتصاد مقاومتی، چیستی و مفهوم شناسی	۱۰۲
مفهوم شناسی	۱۰۳
کتابنامه	۱۰۸

سخن ناشر

در مکتب اسلام، تبلیغ دین از جایگاهی بس والا برخوردار است، به گونه‌ای که در قرآن کریم، اساسی‌ترین وظیفه رسولان الهی تبلیغ معرفی شده است: **مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ**^۱ درست بر همین اساس است که قرآن، دعوت الی الله را بهترین گفتار^۲ و داعیان الی الله را برترین افراد^۳ معرفی کرده است.^۴

امام خمینی (ره) در اشاره به جایگاه رفیع تبلیغ، آن را از اصول مهم اسلام معرفی کرده، می‌فرماید: تبلیغ که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز می‌باشد.^۵

۱. مائده (۵): ۹۹.

۲. فصلت (۴۱): ۳۳.

۳. آل عمران (۳): ۱۱۰.

۴. آل عمران (۳): ۱۰۴.

۵. امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، ج ۲۱، ص ۱۳.

بدیهی است در دنیای امروز که دین و ارزش‌های الهی و انسانی مورد هجوم مرام بی‌دینی قرار دارد، این رسالت بر دوش مبلغان و امامان جمعه و جماعت است که باید از فرصت‌ها و مناسبت‌های مختلف تبلیغی همچون: ماه رمضان، محرم و صفر، اعیاد و وفیات، نماز جمعه و جماعت، استفاده کنند و در رساندن پیام دین به مردم و استحکام عقاید آنان سود ببرند؛ اما بسیار طبیعی و روشن است که انجام این رسالت افزون بر دیگر مهارت‌ها، نیازمند داشتن آگاهی‌های کافی از رویدادها و مناسبت‌هاست.

مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در راستای رسالتی که بر دوش دارد، تلاش می‌کند آگاهی‌های کافی از مهم‌ترین مناسبت‌ها و رویدادهای تاریخ اسلام فراهم آورد و ماهانه در قالب پیام مسجد در اختیار ائمه معزز جماعات قرار دهد.

در این جا وظیفه خود می‌دانیم از آقای وطن‌دوست و همکارانشان که در تهیه و تنظیم این اثر ما را یاری کردند صمیمانه تقدیر و تشکر کنیم.

مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان

مردادماه ۱۳۹۳

مقدمه

حوادث تلخ و شیرین و روزهای مهم که در تاریخ ملت‌ها به یادگار مانده است، گذشتهٔ آنان را به آینده گره می‌زند؛ چراکه هر ملتی می‌تواند آیندهٔ خود را در روشنائی گذشتهٔ خویش ببیند و سرنوشت خود را بر پایهٔ آن تحلیل کند. چنین است که ملت‌ها از رویدادهای مهم زندگی خود، خاطره می‌سازند و با این باور که ملت بی‌خاطره محکوم به فناست، روزهای مهم و تاریخی خود را بزرگ می‌دارند تا جاودانه‌اش کنند و خود در جاودانگی آن جاودان بمانند. امام علی علیه السلام در اشاره به هم‌تنیدگی گذشته و آیندهٔ تاریخ، در وصیتی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

اسْتَدِلَّ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ، فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ؛^۱

برای امور واقع نشده، به آنچه واقع شده است استدلال کن و با مطالعه قضایای تحقق یافته، حوادث یافت نشده را پیش‌بینی کن؛ زیرا امور جهان، همانند یکدیگرند.

با توجه به اهمیت تاریخ و وجود روزهای مهم در

۱. فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱، ص ۹۳۵.

تاریخ اسلام و مسلمانان، تصمیم بر آن شد با بازخوانی این روزهای مهم، تاریخ خود را زنده بداریم و بر پایه کلام امام علی (علیه السلام) با نگاهی به گذشته، بتوانیم آینده خود و جامعه را ترسیم نماییم.

از آنجا که نمی‌توان در یک کتاب، همه حوادث تلخ و شیرین گذشته را به تصویر کشید و از آن تحلیلی درست ارائه داد، به ناچار در کتاب حاضر به بازخوانی مهم‌ترین وقایع ماه ذی‌قعدة می‌پردازیم و مناسبت‌های دیگر ماه‌ها را به سلسله کتاب‌های بعدی موکول می‌کنیم و به تدریج یکی پس از دیگری به مخاطبان فرهیخته خود تقدیم می‌داریم. امید که بپسندند و به کارشان آید.

مشهد مقدس

رضا وطن‌دوست

مردادماه ۱۳۹۳

ماه ذيقعدة

ماه ذيقعدة که یازدهمین ماه قمری^۱ و نخستین ماه حرام است،^۲ حوادثی تلخ و شیرین در خود جای داده است. این ماه با ولادت فرزندان امام موسی بن جعفر^{علیه السلام} در اول، ششم و یازدهم ماه آغاز می شود و با شهادت امام جواد^{علیه السلام} پایان می پذیرد.

این ماه، ماهی است که حاجی ها کم کم خود را برای رفتن به سفر معنوی حج و زیارت خانه خدا آماده می کنند. چه خوب است کسانی که به هر دلیل توفیق این سفر روحانی را ندارند نیز، در این ماه که ماه حرام است مراقبت هایی ویژه نسبت به اعمال خود داشته باشند. در

۱. ترتیب ماه های قمری به این صورت است: (۱) محرم الحرام، (۲) صفر المظفر، (۳) ربیع الاول، (۴) ربیع الثانی، (۵) جمادی الاول، (۶) جمادی الثانی، (۷) رجب المرجب، (۸) شعبان المعظم، (۹) رمضان المبارک، (۱۰) شوال المکرم، (۱۱) ذیقعدة الحرام و (۱۲) ذیحجة الحرام.

۲. ترتیب ماه های حرام از این قرار است: (۱) ذیقعدة، (۲) ذیحجه، (۳) محرم و (۴) ماه رجب.

بیان بایستگی حرمت نهادن به این ماه و ضرورت مراقبت از اعمال خود در آن، بخشی از توصیه‌های مرحوم میرزا جوادآقا ملکی تبریزی در کتاب ارزشمند **المراقبات** یادآور می‌شویم که چنین نگاشته است:

همانا ذیقعدہ، نخستین ماه از ماه‌های حرام است که قتل و جنگ و حتی جهاد علیه کفار در آن ماه، حرام شده است. بدیهی است که عاقل از این حکم، به حکم محاربه و مخالفت با خداوند بزرگ تنبه می‌یابد. پس، ای نفس! در نگاهداری قلب و بدنت در این ماه، بیش از آنچه در دیگر ماه‌ها برایت واجب است، کوشش کن و از مخالفت با احکام خداوند متعال پرهیز کن. به قضای خداوندی رضایت ده و در آنچه از بلاها و مصیبت‌ها که قضا بر آن جریان یافته است، راضی و خرسند باش.^۱

۱. ملکی تبریزی، جواد، **المراقبات**، ترجمه ابراهیم محدث، ص ۴۸۵.

روز اول: آغاز دههٔ کرامت

گفتنی است در ایران از سال ۱۳۸۱ش، فاصله ولادت با سعادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و برادرش امام رضا علیه السلام، یعنی از روز اول تا روز یازدهم ماه ذیقعد، به دهه کرامت نام گذاری شد، کرامتی که از لقب «کریمه اهل بیت» یعنی فاطمه معصومه علیها السلام گرفته شده است. به همین مناسبت، در این ایام هر ساله در حرم این دو تن از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام، برنامه و مراسمی ویژه اجرا می شود.

جلسه اول: ولادت حضرت فاطمہ معصومہ علیہا السلام

مرغل: ۱- چچ ط بَصْغُزِلَسْ یِکْ شِشْ ط سِلْ دِکْه گِجِستْ دُ
 اص: 1- اَن هِپْ اِکْشِیْ دُ. 2- اَن هِ چِ حِشِیْ دُ. 3- اَن هِ
 لَضِاءِ شِ لَسْ چِیْ دُ. 4- اَن هِ صِ یِ اُ دِشِ اِگْ یِ تِ
 چِیْ دُ. 5- اِگْشِشِ اِیْ شِ دِ اُ نِشِیْ یِ یِ صِصْ چِیْ دُ. 6-
 اَن هِ چِ ط شِ دِ بَصْغُزِلَسْ اَلْشِیْفْ چِیْ دُ.¹

امام موسی کاظم علیه السلام، پس از تولد فرزندش رضا علیه السلام، چشم به راه تولد کودکی از همسر گرامی‌اش نجمه خاتون بود که سرانجام پس از یک ربع قرن انتظار، در نخستین روز ماه ذیقعد سال ۱۷۳ ه.ق. ستاره‌ای تابان از

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۷۹۸.

دامان نجمه درخشیدن گرفت^۱ که همسنگ فرزندش رضا^{علیه السلام} بود.

خداوند بزرگ در این روز خجسته، دختری نورانی و خوش سیما به بنده صالحش امام کاظم^{علیه السلام} عنایت کرد. شاید غیر از امام، هیچ کس به اندازه نجمه خاتون همسر آن حضرت، خوشحال نبود؛ زیرا پس از گذشت ۲۵ سال، این دومین فرزندی بود که پروردگار عالمیان به او عنایت می کرد. ۲۵ سال پیش در یازدهم همین ماه در سال ۱۴۸ ه.ق. نجمه پسری به دنیا آورد که او را علی نام نهادند.

امام رضا^{علیه السلام} که سخت از تولد خواهرش فاطمه معصومه^{علیه السلام} مسرور شده بود، والاترین عواطف انباشته شده در سودای دلش را بر او نثار کرد. از این رو، میان این خواهر و برادر، عواطفی سرشار و محبتی شگفت انگیز حاکم بود که قلم ناتوان از ترسیم آن است. در صحنه‌ای که فاطمه معصومه^{علیه السلام} در کنار پدرش امام کاظم^{علیه السلام} بود، مردی نصرانی از او پرسید: شما کی هستی؟ فرمود: من معصومه، خواهر امام رضا^{علیه السلام} هستم. این تعبیر حاکی از محبت آن حضرت به برادر بزرگوارش امام رضا^{علیه السلام} و مباحات او به این برادری است.

^۱. نک: نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۲۵۷.

ای سوره نامت تفسیر اعطینا

زهراترین زینب، زینب‌ترین زهرا

خیر کثیر تو، آئینه کوثر

نامت سراغاز تکثیر خوبی‌ها

روشن‌تر از نوری، در نور مستوری

پیداترین پنهان، پنهان‌ترین پیدا

ماه مقیم قم، خورشید «بیت النور»

در سایه‌سار توست سرتاسر دنیا

وقتی که معصومان، معصومه‌ات خواندند

در وصف تو لال است شعر و شعور ما

فهم زمین عاجز از درک اوصافت

والا مقامی تو، در عالم بالا

از آه لبریزم، از اشک سرشارم

این قطره را دریاب، دریاب ای دریا! ^۱

روز ملی دختران

در سال ۱۳۸۵ ش. شورای عالی انقلاب فرهنگی در

ایران، در اقدامی شایسته بر پایه پیشنهاد فرهنگسرای

دختران، روز اول ذیقعد، برابر با روز تولد حضرت فاطمه

معصومه علیها السلام را به عنوان «روز ملی دختران» نام‌گذاری کرد.

^۱. شعری از سید محمدجواد شرافت.

اما سبب این نام‌گذاری چه بود؟ در پاسخ باید گفت: جدای از سهم دختران در بافت جمعیتی جامعه، می‌توان به جایگاه و نقش این قشر در فرهنگ عمومی جامعه اشاره کرد و ضرورت سلامت فرهنگی و اجتماعی جامعه را وامدار پرورش دخترانی آگاه و عقیف دانست. موارد زیر از جمله اهداف و ضرورت‌های انتخاب روز جهانی دختران است که فهرست‌گونه بیان می‌شود:

۱. بهبود و تقویت ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی مطلوب دختران؛
۲. معرفی و ترویج ارزش‌های اسلامی - فرهنگی با تکیه بر فرهنگ و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)؛
۳. اصلاح و بهبود فرهنگ عمومی در مورد این قشر از جامعه؛
۴. تعمیق و گسترش آموزه‌های دینی برای دختران در سنین مختلف؛
۵. ایجاد زمینه‌های مساعد برای ارتقای هویت فرهنگی اسلامی و ملی دختران؛
۶. فراهم‌سازی زمینه‌های شکوفایی استعدادها و توانایی ذاتی دختران؛
۷. کوشش عمومی برای تأمین نیازهای دختران و رفع مشکلات آنان در عرصه‌های مختلف؛
۸. معرفی حقوق و مسئولیت‌ها و نیز تبیین نقش زنان و دختران در جامعه.

جلسه دوم: نگاہی به مقام عبادی فاطمه معصومه علیہا السلام

مرول: هس عه ص سٽ گشٺ ذئي بيچ ط تجڳن مل
ج ظبئو ذ بص گص نيخ اعت: 1- آن شه اع غص خ،
جن ادت دي مه دسٺ ذ ا اعتوي طي شذ ڪپشه خ،
ط ذ ذنبئي. 2- آن هذ يبيچ ط اته قفل مشرطن
هس شه خ ط ذنبئي 3- آن به بس بنئي ذنبئي ي
بيچ ط ج ظ بص خ آذ.¹

از جمله عواملی که به رشد معنوی انسان می‌انجامد، عبادت و بندگی برای معبود یگانه است، زیرا عبادت گذرگاهی نجات بخش است که آدمی را از حصار تنگ دنیا و زندگی مادی عبور می‌دهد و به عالم قدس معنوی می‌رساند و رابطه فطری او را با مبدأ آفرینش، تجدید و تقویت می‌کند.

اگر پیامبر اسلام ﷺ به مقامی والا مانند مقام رسالت می‌رسد، دلیلش این است که آن حضرت پیش از آنکه رسول خدا باشد، عبد و بنده اوست، و ما مسلمانان به این واقعیت، گواهی داده، می‌گوییم: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

در بیان این واقعیت که بندگی خدا آدمی را به مقامی والا عروج می‌دهد، از معبود یگانه بشنویم که در حدیث

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۸۴۸.

قدسی فرمود: **عَبْدِي أَطْعَنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مَثَلِي**؛ ^۱ بنده من، از من اطاعت کن تا شما را مظهر خود قرار دهم.

در این میان، نماز یکی از بارزترین نمودهای عبادت و بندگی انسان به درگاه خداست، زیرا این نماز است که رکن ایمان، ستون خیمه اسلام ^۲ و معراج مؤمنان معرفی شده است. ^۳ این نماز است که آدمی را از کثی‌ها و ناراستی‌ها باز می‌دارد و زمینه شکوفایی راستی و درستی را در انسان فراهم می‌آورد، ^۴ و آرامش درون و امنیت بیرون را به فرد و جامعه هدیه می‌کند. ^۵

به سبب اهمیّت ویژه نماز، فاطمه معصومه علیها السلام در مدت کوتاه سکونت در قم، با وجود مشکلات جسمی و تألمات روحی، به نماز توجه مثال زدنی داشت. او با آنکه مسافر بود و بنا نداشت در این شهر بماند، در محل اقامت خود، یعنی خانه موسی بن خزرج اتاقی را به عبادت اختصاص داد تا در آن مکان با خدای خویش خلوت کرده و راز و نیاز کند.

^۱. حر عاملی، محمد بن حسن، **الجواهر السنية فی الأحادیث القدسیة**، ص ۳۶۱.

^۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۸۲، ص ۲۱۸.

^۳. نمازی شاهرودی، علی، **مستدرک سفینه البحار**، ج ۶، ص ۳۴۳.

^۴. عنکبوت (۱۹): ۴۵.

^۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، ج ۲، ص ۱۶۶.

هم اینک این عبادتگاه که به «بیت النور» شهرت دارد موجود است و در بخشی از یک مدرسه علمیه به نام مدرسه «ستیه» قرار دارد. چه زیباست این دو بیتی که اینک بر سردر آن مکان مقدس نوشته شده است:

شده بنیاد این کاخ منور

به پاس دختر موسی بن جعفر

عبادتگاه معصومه است اینجا

کز اینجا قم شرافت یافت دیگر

جلسه سوم: مقام علمی فاطمه معصومه علیها السلام

غنیه: قیپ س ق غگت تنجش ال ش ا قیپ پیپ
طس م ع مه ا س ا قیپ تنص و شه س م ع گ ی نس م
اعت، ی قیپ س ق غ خ آ ذ د ع س ق ی ب ق ی ذ
طس م ع م ی غت.

ا ج ت اعت پی کلص گت تنجش نکلص آ ق نل
نشی غ ننبوی م د مه س ب ه ی غ ی د تنجش گت ه اعت.^۱

پیش از بیان مقام علمی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یک حدیث که بیانگر شفاعت آن حضرت در قیامت است یادآور می‌شویم. این حدیث نورانی از برادرش امام رضا علیه السلام است است که در آموختن زیارتنامه آن حضرت به سعد قمی چنین آمده است که فرمود:

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۹۵۸.

یا فاطمة اشفعی لی فی الجنّة فإنّ لک عند الله شأناً من الشّان؛^۱ ای فاطمه برای من نزد خدا درباره بهشت شفاعت کن چراکه برای تو در نزد خدا منزلتی عالی است.

وقتی امام معصوم (علیه السلام) مانند امام رضا (علیه السلام) این گونه از خواهرش فاطمه (علیها السلام) درخواست شفاعت می کند، باید ما به طریق اولی از او درخواست شفات کنیم و لذا می گوئیم: یا شفیعۀ عند الله اشفعی لنا عند الله.

و اما مقام علمی آن بانو

از آنجا که آموزش و آموختن از اصول اساسی اسلام به شمار می آید، نه تنها پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) آن حضرت به فراگیری علم سفارش می کردند که خود نیز به آموزش و پرورش کودکانشان اهتمامی ویژه داشتند. در خانواده امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نیز شرایط و زمینه برای علم آموزی به گونه ای بود که هریک از فرزندان آن حضرت بنا به استعداد و ظرفیت وجودی خویش، از این شرایط استفاده کردند.

فاطمه معصومه (علیها السلام) از جمله فرزندان آن حضرت است که در چنین محیطی تحت آموزش پدر و برادر بزرگوارش امام رضا (علیه السلام) قرار داشت و با معارف اسلامی آشنا شد، او به

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷.

سرعت مراحل رشد علمی را پیمود و به مراحل بالای علوم دینی دست یافت.

ابن صباغ ملکی در این باره می گوید: هر یک از فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام، فضیلتی ویژه یافت، اما در این میان، بعد از امام رضا علیه السلام خواهرش فاطمه معصومه علیها السلام از نظر علمی و اخلاقی، به مقامی والا دست یافت. این حقیقت را می توان از به کارگیری القاب، تعریف ها و توصیفاتی که ائمه اطهار علیهم السلام از ایشان نموده اند، دست آورد. نمونه های زیر تأییدی بر مقام علمی آن حضرت است که به اختصار برخی موارد را یادآور می شویم:

الف: پاسخ عالمانه به پرسش های دیگران

فاطمه معصومه علیها السلام که علم و دانش را از اجداد گرامی اش به ارث برده بود و تحت تربیت پدر و برادرش امام رضا علیه السلام قرار داشت، به مقامی از علم و آگاهی رسیده بود که در نبود پدر، پرسش های مراجعان را پاسخ می داد. مقام علمی ایشان بود که روزی پدرش را بر آن داشت تا سخنی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره دخترش فاطمه زهرا علیها السلام فرمود، او نیز درباره دخترش فاطمه معصومه علیها السلام بگوید که فرمود: فداها ابوها.^۱

۱. میر عظیمی، سید جعفر، بارگاه فاطمه معصومه، تجلیگاه فاطمه زهرا،

توضیح آنکه روزی جمعی از شیعیان، برای ملاقات با امام کاظم علیه السلام و طرح پرسش‌های خود به مدینه نزد آن حضرت رفتند، اما وقتی به منزل امام رسیدند و درخواست ملاقات کردند، جواب شنیدند که آن حضرت به سفر رفته و معلوم نیست چه زمانی برگردد، از آنجا که آنان ناگزیر به بازگشت بودند، سؤال‌های خود را نوشتند و به اندرون خانه امام سپردند تا بار دیگر که به مدینه آمدند پاسخ‌ها را دریافت کنند، اما زمانی طول نکشید که پاسخ سؤال‌های خود را دریافت کردند و گفتند: فاطمه معصومه دختر امام علیه السلام به سؤال‌های شما پاسخ داده است، آنها در بازگشت، در بیرون مدینه با امام روبرو شدند و جریان را با آن حضرت در میان گذاشتند، امام جواب‌ها را گرفت و نگاه کرد و پس از آنکه جواب‌ها را کامل و متقن یافت، در تجلیل از دخترش، سه بار فرمود: فداها ابوها.^۱

ب: نقل حدیث

سنت و گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام یکی از دو منبع اصیل اسلامی است که راه‌های هدایت و رستگاری را به آدمیان نشان می‌دهد. به همین دلیل، بزرگانی از امت اسلامی، خود را موظف می‌دانند تا در کنار قرآن، به کتابت، آموزش و آموختن

۱. نک: معلم، محمدعلی، الفاطمة المعصومة، ص ۷۷.

و نقل حدیث نیز گمارند؛ چراکه در گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام، ارزش نقل حدیث تا آنجاست که ناقلان حدیث در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جانشینان آن حضرت معرفی شده‌اند:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي وَيَرْوُونَ
عَنِّي أَحَادِيثِي وَ سُنَّتِي فَيُعَلِّمُونَهَا بَعْدِي؛^۱ خدایا!
جانشینان مرا رحمت کن، گفته شد: ای رسول خدا
جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که
پس از من می‌آیند، حدیث و سنت مرا روایت
می‌کنند و به مردم یاد می‌دهند.

فاطمه معصومه علیها السلام از جمله افرادی است که به جرگه
محدثان پیوست و افتخار نقل حدیث را کسب کرد. او با
وجود خفقان و فشار سیاسی، در پاسداری از سنت رسول
خدا صلی الله علیه و آله به نقل حدیث همت گمارد. دو حدیث از جمله این
احادیث می‌باشند:

۱- حدیث منزلت

فاطمه معصومه علیها السلام به سند یاد شده، حدیث منزلت را به
این شرح نقل کرده است و می‌فرماید:

۱. عطاردی، عزیز الله، مسند امام رضا، ج ۱، ص ۵.

حدَّثتنا فاطمة و زينب و أم كلثوم بنات موسى بن جعفر عليه السلام - عن فاطمة عليها السلام - بنت رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله - قالت: أنسيتم قوله: أنتَ مِنِّي بِمنزلة هارون مِن موسى؛ فاطمة معصومه، زينب و ام كلثوم دختران موسى بن جعفر عليه السلام از فاطمه عليها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: آیا شما سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را فراموش کرده‌اید که خطاب به امام علی علیه السلام فرمود: نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی علیه السلام است.^۱

۲- حدیث دوستی آل محمد علیهم السلام

حضرت فاطمه معصومه عليها السلام از فاطمه دختر امام صادق عليه السلام، او از زينب دختر امير المؤمنين عليه السلام و او از فاطمه زهرا عليها السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا**؛^۲ بدانید که هرکس با محبت آل محمد علیهم السلام بمیرد، شهید مرده است.

۱. همان.

۲. رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۶.

روز سوم برابر با ۸ شهریور

۱. آغاز هفته دولت

غیبه فشیضه اشته کشف فاص گش عه
شیتجه نللد: شیتجه اه آنه نب یخص کهریتس
عس گ وی دم هف انشا بلتیه اته کهریت،
لیگ سه نب سفیتس ای ذاعت، ثو لی نه طل اس
شگش داینب چش کج طنب ا الهت م ذ.
شیتجه د آک هنب نب فمشد خ بکس طل گش ی
ی ذ. شیتجه ع ثس س چش که شته دگیشی
فویکی ی ذ. شیتجه ع اص ظیف دی ت اعل ی
اعت.^۱

به مناسبت شهادت همزمان محمدعلی رجایی - رئیس
جمهور - و محمدجواد باهنر - نخست وزیر - که در هشتم
شهریور سال ۱۳۶۰ اش صورت گرفت، از دوم تا هشتم
شهریور به نام هفته دولت نامگذاری شده است. این
نامگذاری به این دلیل بوده که هم از مقام این دو فرزند
انقلاب تجلیل شود و هم بهانه ای باشد تا مردم با فعالیت ها
و بیان اهداف و برنامه های آینده دولت، آشنا شوند.

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، چکیده مسئله ۲۷۰۵ تا ۲۸۱۸.

به مناسبت هفته دولت خوب است چند روایت مناسبتی یادآور شویم با این پیشنهاد که اگر مخاطبان، کارمندان دولت هستند احادیثی مانند احادیث زیر خوانده و تحلیل شود:

- **حُسْنُ السِّيَاسَةِ يَسْتَدِيمُ الرِّئَاسَةَ**^۱؛ تدبیر و سیاست نیکو، به ماندگاری ریاست می انجامد.

- **رَأْسُ السِّيَاسَةِ اسْتِعْمَالُ الرَّفْقِ**^۲؛ اساس سیاست به کارگیری مداراست.

- **ثَبَاتُ الدَّوْلِ بِإِقَامَةِ الْعَدْلِ**^۳؛ پایداری دولت‌ها، به برپا داشتن دادگری است.

و اگر مخاطبان، عموم مردم هستند، از احادیثی مانند احادیث یاد شده استفاده نشود؛ چراکه ممکن است شبهاتی مانند ناعدالتی، سوءتدبیر، جناحی بودن برخی متولیان حکومتی در رده‌های بالا و میانی تداعی کند که در این صورت نه می‌توان آن را مسکوت گذاشت و نه می‌توان پاسخ داد، بلکه بهتر این است احادیثی که بیانگر حقوق متقابل حاکم و مردم یا بیانگر مسئولیت مردم در برابر دولت است خوانده و تحلیل شود، مانند این حدیث که امام علی علیه السلام فرمود:

۱. لثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم و المواعظ**، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۲۱۷.

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَّ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ، فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَّ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَّ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَّ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا. وَّ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَّ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَّ الْمَغِيبِ وَّ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَّ الطَّاعَةُ حِينَ آمُرُكُمْ؛^۱ ای مردم! من [به عنوان حاکم اسلامی] بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید. اما حق شما بر من این است که شما را پند خیرخواهانه دهم، بیت المال را بر شما تقسیم کنم، علم را به شما بیاموزم که نادان ننماید و ادبتان کنم تا علم فراگیرید. و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار بمانید، در آشکار و پنهان خیرخواه من باشید، آنگاه که شما را به کاری خواندم اجابت کنید و آنگاه که دستوری دادم اطاعت کنید.

۲. روز مبارزه با تروریسم

مطلب دومی که در روز سوم ذیقعدة قابل طرح است موضوع مبارزه با تروریسم است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران که همواره از سال‌های نخست طلوع خورشید انقلاب اسلامی تاکنون، گرفتار ترور و تروریست بوده است، در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۸۲ لایحه مبارزه با تروریسم را به تصویب رساند و روز هشتم شهریور تا که یادآور سالروز حادثه

۱. فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبة ۳۴، ص ۱۱۴.

تروریستی انفجار دفتر نخست وزیری به دست منافقین کوردل و شهادت مظلومانه رئیس جمهور و نخست وزیر وقت در شهریور سال ۱۳۶۰ش. بود، به این موضوع اختصاص داد. بر اساس این لایحه، تهدید به ارتکاب جرایم و اقدامات خشونت آمیز از راه رعب و وحشت، برای تأثیرگذاری بر تصمیمات و اقدامات جمهوری اسلامی ایران، جرم تروریستی محسوب می شود.

روز ششم: روز بزرگداشت احمد بن موسی

از آن رو که تاریخ دقیق تولد حضرت احمد بن موسی علیه السلام مشخص نیست، در شورای فرهنگ عمومی استان فارس نام گذاری یک روز به عنوان روز بزرگداشت آن حضرت مطرح شد. متولیان امر تصمیم گرفتند که روز تولد آن حضرت را به عنوان مراسم بزرگداشت انتخاب کنند. بنابراین، برای مشخص شدن روز دقیق تولد، مورخان و محققان تحقیقات خود را آغاز کردند. اما به دلیل نقل های متفاوت در روز ولادت آن حضرت، کارشناسان نتوانستند روز ولادت آن جناب را تعیین کنند. از این رو، تصمیم گرفتند که در دهه کرامت (اول تا یازدهم ذیقعه) حد فاصل تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و امام رضا علیه السلام روز ششم این ماه را به عنوان روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی علیه السلام تعیین کنند.

روز هفتم برابر با ۱۲ شهریور: روز مبارزه با استعمار

انگلیس

غیبه: گلش سس لظ عی ع نئی دئی تب اعل اعل
دئی تبی اچت، خ ف آ نئیذ مه اچت تش یل
اعل ت غیظیذا م د گلش چت غیظ عی ع ق تصد
نئیذ. لعل اعتش غیبب مقب لی د س لظ
ضعت م د، دئی تبی اعل س اطن ا م نتهق غ
لی گ س لظ.^۱

آنچه مسلم است اینکه روز دوازدهم شهریورماه به عنوان «روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس» در تقویم رسمی کشور ما ثبت شده است، اما اینکه چرا باید یک روز به این عنوان اعلام و ثبت شود و دیگر اینکه چرا روز دوازدهم شهریورماه به این موضوع اختصاص یابد؟ دو مطلبی است که نیازی به توضیح دارد. اما پاسخ به سؤال اول که باید گفت:

هرچند سوابق پرتنش و توأم با جنایات استعمار پیر انگلستان نسبت به ملت ایران بر هیچ کس پوشیده نیست، ولی بد نیست اشاره‌ای کوتاه به سیاست‌های این استعمار کهنه‌کار علیه کشور و مردم ایران داشته باشیم.

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۲۸۱۳.

استعمار انگلیس در سال ۱۸۲۰م. در بحبوحه جنگ‌های ایران با روسیه، به بهانه مبارزه با دزدهای دریایی، کشورهای سواحل جنوبی خلیج فارس را اشغال کرد. این استعمارگر برای تکمیل سلطه خود بر منطقه، ضمن دیگر برنامه‌های شیطانی خود، از سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» بهره جست و اوضاع منطقه را متشنج کرد و از آن زمان تاکنون همه تلاش خود را به کار گرفته تا حاکمیت استعماری خود را بر خاورمیانه حفظ کند.

هرچند جنایت‌ها و سیاست‌های مکارانه این استعمار بر هیچ‌کس پوشیده نیست، با این حال برای آشنایی بیشتر با این جنایت‌ها فهرستی از سوابق سیاه او علیه مردم ایران به این شرح اعلام می‌شود:

- ۱- نفوذ و سیطره در دربارها و دولت‌های قاجار و پهلوی.
- ۲- تأسیس محافل مخفی و لژهای فراماسونری وابسته و اعمال سیاست‌های خود از این طریق.
- ۳- حمایت از افراد معلوم الحال مانند علم، قوام شیرازی، فروغی، وثوق الدوله، تقی زاده، میرزا ملکم خان، سید ضیاءالدین طباطبایی و
- ۴- تحریک جریان‌های تجزیه طلب قومی، ایجاد اختلافات مذهبی بین اهل تشیع و اهل تسنن.

- ۵- اقدامات تبشیری و تلاش برای سوء استفاده از اقلیت‌های دینی و ترویج مسیحیت برای مبارزه با اسلام.
- ۶- حمایت از حاکمیت صهیونیستی از آغاز تاکنون.
- ۷- ایجاد و تقویت فرقه‌های انحرافی در دنیای اسلام به مانند بهائیت و بابیگری در ایران و وهابیت در کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی.
- ۸- تجاوز مکرر به خاک ایران و اشغال نظامی بخش‌هایی از استان بوشهر و به شهادت رساندن جوانان این مرز و بوم.
- ۹- کسب امتیازات فراوان اقتصادی و انعقاد قراردادهای مختلف نفتی به منظور غارت منابع نفتی ایران.
- ۱۰- غارت آثار باستانی ایران، نمونه بارز آن منشور جهانی کوروش است که برای مدت کوتاهی به ایران برگردانده شده است.
- ۱۱- نقش اصلی در جنگ ایران و روس و تجزیه مناطق شمالی ایران.
- ۱۲- ایفای نقش در تجزیه بخش‌هایی از خاک ایران مانند تجزیه هرات، جزایر خلیج فارس و مناطق مرزی غرب کشور در دوران قاجار و پهلوی.
- ۱۳- نقش داشتن در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ش. و حمایت همه جانبه از دولت پهلوی.

۱۴- اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ش. و روی کار آوردن پهلوی دوم.

۱۵- عملکرد جدی در ایجاد بخش فارسی رادیو و تلویزیون بی‌بی‌سی به منظور پیشبرد منافع استعماری.

۱۶- مواضع کینه توزانه در قبال انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) چه پیش از پیروزی و چه پس از آن.

۱۷- حمایت از دولت بعث عراق در جنگ تحمیلی و همراهی با سیاست‌های اشغالگری آمریکا در منطقه.

۱۸- دخالت آشکار با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و عوامل نفوذی در جریان فتنه ۸۸.

۱۹- نقش مؤثر در صدور قطعنامه‌های بین‌المللی در تحریم مردم ایران و همکاری با گروه‌های ضد انقلاب.

آنچه بدان اشاره شد بخشی کوچک از سیاست‌های استعماری دولت انگلیس علیه ملت ایران است. این جنایت‌ها می‌طلبید روزی به عنوان روز مبارزه با استعمار انگلیس اعلام شود. این بود تا اینکه در دولت نهم با تلاش استاندار وقت بوشهر و رئیس سازمان ملی جوانان این استان، روز دوازدهم شهریورماه به عنوان «روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس» ثبت و وارد تقویم رسمی کشور شد.

اما سؤال دوم که چرا روز دوازدهم شهریورماه به این موضوع اختصاص یافته است باید گفت: این روز به پاس رشادت دلاورمردانی شجاع همچون رئیس‌علی دلواری و یارانش که شجاعانه در مقابل تجاوز استعمارگر پیر انگلستان به خاک کشور عزیزمان ایران ایستادگی کردند و در نهایت به شهادت رسیدند، نامگذاری شد.

رئیس‌علی دلواری از روستای دلواری چند کیلومتری بوشهر بود و در سال ۱۲۶۰ش. متولد شد. او در عصر مشروطیت جوانی بیست و چهار ساله بود. او در همین دوران به صفوف مبارزان مشروطه‌خواه جنوب ایران پیوست و همکاری نزدیکی را با محافل انقلابی آغاز کرد.

در جریان کودتا علیه مشروطیت، او علیه نیروهای انگلیس در منطقه که گمرک را در اختیار داشتند قیام کرد و مبارزه‌ای سخت انجام داد تا اینکه در سن ۳۴ سالگی از پشت مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید.

برای شادی ارواح طیبه همه شهیدان راه اسلام از صدر تاکنون حمد و سوره‌ای قرائت بفرمایید با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

روز یازدهم: ولادت با سعادت امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام در روز پنجشنبه یا روز جمعه یازدهم ماه ذیقعدۃ الحرام سال ۱۴۸هـ.ق در شهر مدینه، خانه امام موسی بن جعفر علیه السلام، چشم به دنیا گشود و مایه چشم روشنی پدر گردید.^۱

جلسه اول: نگاهی به شرح حال امام رضا علیه السلام

غنیّه: تَجّه دلای گه خَسَدُ^۱ اَهْیِذْ^۲ سَلْبُی بَصْ طَلْ چ غَلت اَعْت. دَفْش عَشْ یِ غِیّه یَتِیْت یِ د: خَغْت لَکَه گَش هِیْیِ بَص، غَطْ مَه اَل دَا بْ بَدَفْش س د، بَص یَتِی عَو یِ د. د لَکَه گَش یِ یِ یِش بْ دَیْیِ بْ س بْ بْ دَنْبِیْ د س بْ بْ بَص م م آ قِی د فَش س د بَصْ گ اَوْنِ مِیْ دَا^۲ م د.

راجع به امام رضا علیه السلام مطالب زیادی مانند ویژگی‌های شخصیتی، اخلاق معنوی و فردی، اخلاق اجتماعی، مقام علمی و شیوه‌شناسی مناظرات آن حضرت، موضوع هجرت به مرو، ولایتعهدی، فضیلت و آداب زیارت قبر مطهر آن

۱. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ۴۰؛ همو، تاج

الموالید، ص ۴۸؛ قمی، عباس، انوار البهیة، ص ۲۰۹.

۲. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۱۱۵۵.

حضرت می‌توان مطرح کرد، ولی در این جلسه به بهانه ولادت با سعادت آن حضرت نگاهی گذرا به زندگانی آن حضرت داریم که امری بایسته است.

بم لقبه

امام رضا علیه السلام یک نام بیشتر ندارد و آن هم نام مبارک «علی» است، اما تاریخ‌نویسان، القابی بسیار برای آن حضرت بیان کرده‌اند که مشهورترین آنها عبارت‌اند از: رضا، رئوف، ثامن الأئمه، غریب الغرباء، معین الضعفاء، عالم آل محمد.^۱

یادآور می‌شود که هر یک از نام‌ها و القاب امامان معصوم علیهم السلام وجه تسمیه ویژه خود را دارد که گویای پیامی ویژه است، القاب امام رضا علیه السلام نیز این گونه است، اما در این میان، کلمه «رضا» معروف‌ترین لقب از القاب آن حضرت، به شمار می‌آید.

هر چند برخی از تاریخ‌دانان بر این عقیده‌اند که انتخاب این لقب، به زمان ولایتعهدی امام رضا علیه السلام بر می‌گردد که

۱. نک: شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا، ج ۱، ص ۴۳-۴۵؛ رجبی، محسن، آئینه مهر، نگاهی به القاب علی بن موسی الرضا.

مأمون آن را برگزیده است،^۱ اما شیخ صدوق به نقل از احمد بن ابی نصر بزنطی از امام جواد(ع) آورده است که فرمود: خدا این لقب را برای پدرم تعیین کرده است.^۲

او در جای دیگر به نقل از سلیمان بن حفص می گوید: امام کاظم(ع) خود فرزندش علی را به این لقب نامید و توصیه کرد که همگان نیز وی را به این لقب بخوانند.^۳

علامه مجلسی به نقل از شیخ صدوق، آورده است که وقتی امام کاظم(ع)، خود فرزندش رضا(ع) را صدا می زد، او را با کنیه «یا ابا الحسن» خطاب می کرد و آنگاه که در غیاب او با کسی صحبت می کرد، از او با لقب و جمله «ولدی الرضا» نام می برد.^۴

اسنادی در دست است که از تأیید قول شیخ صدوق و انتخاب لقب رضا پیش از تصدی ولایتعهدی برای آن حضرت حکایت می کند. از جمله این اسناد، نامه فضل بن سهل به آن امام است که به دستور مأمون برای دعوت آن

۱. نک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۳۹؛ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۲۶.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۴.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، همان، ج ۲، ص ۲۳.

۴. نک: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۴.

حضرت به خراسان نوشت و برای او به مدینه ارسال کرد، در آن نامه چنین آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، لعلی بن موسی الرضا - علیه السلام - ... من ولیّه فضل بن سهل...»^۱

این خبر نیز که به نقل از امام جواد (علیه السلام) رسیده، تأییدی بر این مطلب است که در وجه تسمیه آن حضرت به «رضا» فرمود: خداوند پدرم را رضا نامید، زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و دیگر ائمه (علیهم السلام) از او خشنود هستند. راوی پرسید: مگر دیگر امامان، این طور نبودند؟ آن حضرت فرمود: چرا؛ اما پدرم ویژگی دیگری نیز داشت و آن این بود که حتی مخالفان نیز مانند موافقان از او راضی بودند.^۲

کُنِیَّ

امام رضا (علیه السلام) دارای دو کنیه عام و خاص می باشد، کنیه عام که در میان مردم معروف بود «ابوالحسن» و کنیه خاص آن حضرت که تنها خواص، او را به آن کنیه می شناختند «ابومحمد» است.^۳

۱. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۲،

ص ۳۸۱.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۲.

۳. طبری، محمد بن جریر، دلائل الإمامه، ص ۳۵۹.

با آنکه بیشتر، کنیه هر امامی از اسم پسر بزرگ آن امام گرفته شده، ولی کنیه معروف و عام امام رضاؑ بر حسب نام فرزندش نیست، بلکه پدرش موسی بن جعفرؑ آن حضرت را در کنیه خود شریک گردانید.

علی بن یقطین می‌گوید: با تنی چند از دوستان امام کاظمؑ در خدمت آن حضرت نشسته بودیم که فرزندش، علیؑ الرضاؑ وارد شد. آن حضرت به من فرمود: یا علیؑ بن یقطین! هذا علیؑ سیّد وُلدی، أما اِنّی قد نَحَلْتُهُ کُنیتِی؛ ای علی پسر یقطین! این علی سرور فرزندان من است، آگاه باشید که من کنیه‌ام را به او بخشیدم.^۱

شاید این اقدام امام کاظمؑ به دلیل علاقه زیاد به فرزندش امام رضاؑ بوده است یا به موجب اینکه امام رضاؑ تا ۴۷ سالگی صاحب فرزند نشده بود تا بتوانند به استناد نام فرزندش کنیه‌ای را برای آن حضرت انتخاب کنند. نکته قابل توجه درباره کنیه امام رضاؑ این است که گاه آن حضرت را «ابوالحسن الثانی» می‌خوانند. این تعبیر از آن روست که کنیه آن حضرت با برخی دیگر از ائمه مانند امام علی، امام کاظم و امام هادیؑ مشترک است. برای آنکه معلوم شود، منظور از ابوالحسن، کنیه کدام یک از چهار امام

۱. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۹.

یاد شده است، کنیه امام علی علیه السلام را بدون قید می آورند و امام کاظم علیه السلام را «ابوالحسن الاول»، امام رضا علیه السلام را «ابوالحسن الثانی» و امام هادی علیه السلام را «ابوالحسن الثالث» می خوانند.

و نیز با توجه به اینکه امام رضا علیه السلام معاصر امام کاظم علیه السلام بوده و فاصله ای میان آن دو نبوده است، امام کاظم علیه السلام را «ابوالحسن الماضی» و امام رضا علیه السلام «ابوالحسن الثانی» نامیده اند.

جلسه دوم: ادامه شرح حال امام رضا علیه السلام

غُیّه: لی سرّ بَشَخِی لَبَدَ یَی تَک هَی سِ
بِجَه خَذَا شَف ی ذ، ضَ طَ کَبَت جَه لی
کَنَیض اُس لَه ی ک غُیّه حِی تِ ی کْ اُ لی اَع تَک ه
چ غَل ت بَص دَط ر دَ حِی اَع ت ب ل جِی ه لی چ غَل ت لی
اَع تَک ه بَص ر ل ی ی ک ه بَ دَا و ع تَک ت ف ک ذِی ک
دَع ت ب س ا س بُ گَ ز ل د. یِ گِش ا ک ه ی ک ن ط ل خ ا د
دَ ذَ آ ی تَگ ی ذ، ی گِش ا ت ب ک ذِی ط ل س تَوی ه
تَگ ی ذ، بَص ک ت ب ع و ی ذ.

پدر و پدر

پدر امام رضا علیه السلام، امام موسی الکاظم بن جعفر الصادق علیه السلام می باشد که هفتمین امام و نهمین معصوم است. و مادر آن حضرت بانویی عقیف و خردمند به نام تکتم از اهالی نوبه در مغرب بود. ولی به سفارش حمیده خاتون، مادر امام کاظم علیه السلام خریداری شد و به خاندان عصمت و طهارت پیوست. پس از آنکه به همسری امام کاظم علیه السلام در آمد و به

منزل آن حضرت راه یافت، به دلیلی نورانیتی که داشت به نام «نجمه» خوانده شد و از آن پس که امام رضا(ع) تولد یافت او را طاهره نامیدند.^۱

هشام بن احمد می‌گوید: امام کاظم(ع) به من فرمود: خبر یافتیم که برده فروشی، از مغرب برده آورده است، بیا تا نزد او رویم و برده‌ای خریداری کنیم. به اتفاق آن حضرت به محل فروش بردگان رفتیم، دیدیم که مردی هفت کنیز برای فروش آورده بود. امام که هیچ کدام را نپسندید، از آن مرد پرسید: آیا کنیزی دیگر داری؟ گفت: دارم، اما مریض است و قادر به راه رفتن نیست. از این رو بدون آنکه کنیزی را خریداری کرده باشیم، به منزل بازگشتیم.

او می‌گوید: فردای آن روز، امام مبلغی به من داد و فرمود: پیش آن برده فروش برو و با هر مبلغی که گفت، همان کنیز بیمار را خریداری کن. من نزد او رفتم و تقاضا کردم که همان کنیز مریض را خریدارم. او گفت: آن کنیز را به کمتر از فلان مبلغ نمی‌فروشم. شگفت آنکه مبلغ پیشنهادی، همان مبلغی بود که امام به من داده بود.

هرچند شواهد تاریخی حاکی از آن است که امام کاظم(ع)، آن کنیزک را برای مادرش، حمیده خریداری کرد،

۱. همو، الاختصاص، ص ۱۹۶.

ولی طولی نکشید که حمیده، رسول خدا ﷺ را در خواب دید که به او فرمود:

یا حمیده! هَبِي نَجْمَةً لِّابْنِكِ مُوسَى؛ فَإِنَّهُ سَيُولَدُ مِنْهَا خَيْرٌ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ ای حمیده! نجمه را به فرزندت موسی ببخش چراکه در این صورت از او فرزندی متولد می شود که بهترین انسان ها در روی زمین خواهد بود.^۱

حمیده نیز بر حسب دستور رسول خدا ﷺ، کنیز خود را به فرزندش موسی هدیه کرد. در عیون اخبار الرضا آمده است که حمیده به فرزندش موسی گفت: یا بُنِی! إِنْ تُكْتَمَ جَارِيَةٌ مَا رَأَيْتُ جَارِيَةً قَطُّ أَفْضَلَ مِنْهَا وَ ... قَدْ وَهَبْتُهَا لَكَ فَاسْتَوْصِ خَيْرًا بِهَا؛ ای پسر من! نجمه خوب جاریه ای است که هرگز جاریه ای بهتر از او ندیدم، من او را به تو بخشیدم و سفارش او را به تو می کنم.^۲

فرزند دای

هرچند بسیاری از تاریخ نویسان و محدثان مانند ابن شهر آشوب،^۳ ابن جریر طبری،^۴ شیخ مفید^۱ و طبرسی^۲ بر

^۱ قمی، عباس، الانوار البهیة، ص ۲۱۰.

^۲ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵.

^۳ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۷.

^۴ طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۳۵۹.

این باورند که امام رضا(ع) تنها یک فرزند به نام محمد تقی ملقب به جواد(ع) داشته است، اما برخی، دو فرزند^۳ و برخی تا پنج پسر و یک دختر برای آن حضرت نقل کرده‌اند.^۴

اگر این نظر مشهور را بپذیریم که امام رضا(ع)، تنها یک فرزند داشته است، این پرسش مطرح می‌شود که آرامگاه منسوب به فرزند آن حضرت در شهر قزوین به نام شاه زاده حسین، چه توجیهی دارد؟

در اینکه آیا این انتساب، درست است یا خیر، جای تأمل دارد؛ چراکه در این انتساب سه دیدگاه وجود دارد، برخی او را از نوادگان جعفر طیار دانسته‌اند،^۵ همان‌طور که برخی دیگر او را برادر امام رضا(ع) و از فرزندان موسی بن جعفر(ع) معرفی کرده‌اند، و در این میان فردی مانند شیخ عبد الجلیل رازی او را فرزند امام رضا(ع) خوانده است.^۶

اکنون که سخن از فرزند یا فرزندان امام رضا(ع) است، نیازمند تذکری بایسته است و آن تأخیر در ولادت باسعادت

۱. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۲۹.

۳. قمی، عباس، منتهی الآمال، ص ۳۵۲.

۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الأئمه، ج ۳، ص ۸۹.

۵. نک: ابن عنبه، احمد بن علی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۵۹.

۶. نک: مدرسی طباطبایی، حسین، برگی از تاریخ قزوین، ص ۹-۱۲.

پارهٔ تن امام رضا علیه السلام، یعنی جواد الأئمه علیه السلام است. با آنکه بیش از چهل سال از عمر آن حضرت می‌گذشت و بیش از ده سال از دوران امامت آن امام سپری می‌شد، با این وجود، راجع به جانشینی پس از او، در اذهان مردم، ظن و گمان‌هایی وجود داشت.

این ابهامات، از یک سو، اصحاب و دوستان امامت را سخت نگران و متحیر ساخته که مسئلهٔ امامت چه سرانجامی خواهد داشت؟ آیا امامت در امام رضا علیه السلام متوقف خواهد شد؟! آیا یکی از عموهای آن حضرت یا کسی از میان برادران آن حضرت برای جانشینی معرفی خواهد شد یا اینکه بر حسب مشیت الهی، در این باره، اتفاقی دیگر رخ خواهد داد؟.

از سویی دیگر، فرزند نداشتن امام، دشمنان امامت را سخت شاد کرده بود، و این بهانه‌ای بود تا به امام رضا علیه السلام زخم زبان بزنند و گاه وقاحت را از حد بیرون برده و آن امام عزیز را متهم و یا دروغ‌گو خوانند. شخصی به نام ابن قیاما که از سران گروه واقفیه بود، روزی با تمسخر از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا به راستی تو امامی؟ من خدا را گواه می‌گیرم که تو امام نیستی. اما امام با کمال خون سردی از او پرسید: دلیل شما چیست که من امام نیستم؟! او گفت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که امام بدون فرزند

نخواهد بود، در حالی که شما به این سن رسیده‌اید و هنوز از وجود فرزند محروم هستید.

امام رضا(ع) که از نا آگاهی و برداشت ابن قیاما سخت ناراحت بود، اندکی سر به زیر انداخت و سپس سر بلند کرد و فرمود: **وَاللّٰهِ لَيَجْعَلَنَّ اللّٰهُ مِنِّيْ مَا يُثَبِّتُ بِهِ الْحَقَّ وَاهْلَهُ وَيُمَحِّقُ بِهِ الْبَاطِلَ وَاهْلَهُ**؛ سوگند به خدا که او از من چیزی قرار خواهد داد که به وسیله آن، حق و اهل آن را ثابت و استوار خواهد ساخت و باطل و اهل آن را محو و نابود خواهد کرد.

راوی گوید: پس از این صحنه، هنوز یک سال، سپری نشده بود که خداوند منان، چشمان امام رضا(ع) را به وجود فرزندش جواد الائمه(ع) روشن ساخت.^۱

همین مشکلات و ابهامات بود که ولادت با سعادت امام جواد(ع) را به مبارک‌ترین ولادت‌ها تبدیل کرد. شخصی به نام یحیی صنعانی می‌گوید: من در محضر امام رضا(ع) بودم که ناگاه کودکی آورده، به آن حضرت دادند. از امام(ع) پرسیدم: آیا این کودک همان مولود مبارک است؟ فرمود: **هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُوَلَدْ مَوْلُودٌ اَعْظَمُ بَرَكَهٍ عَلٰی**

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۶۸.

شیعتنا منه؛ این است آن مولودی که در اسلام با برکت تر از او برای شیعیان ما متولد نشده است.^۱

وس‌رای

همسر امام رضا علیه السلام، کنیزی به نام سبیکه بود که از او صاحب فرزندی به نام محمد تقی علیه السلام شد. نقل است که این بانو از خاندان ماریه قبطیه، همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.^۲ و نیز گفته شده که مأمون، دختر خود، ام حبیبه را با انگیزه سیاسی، به عقد امام علیه السلام درآورد،^۳ اما آن حضرت هرگز با وی رابطه زناشویی نداشت.^۴

دَرای ابه‌ث

امام رضا علیه السلام، ۵۵ سال عمر کرد. این مدت را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوران پیش از امامت که ۳۵ سال به طول انجامید.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ص ۲۴۳.

۳. نک: ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرة الخواص، ص ۳۱۶؛

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج ۳، ص ۳۲؛ طبری، محمد بن

جریر، دلائل الامامه، ص ۱۷۷؛ سپهر، عباسقلی‌خان، ناسخ التواریخ،

ج ۱۴، ص ۳۸۰.

۴. امامی خاتون‌آبادی، محمدرضا، جنات الخلود، ص ۳۲.

- ۲- دوران امامت پیش از هجرت که بالغ بر ۱۷ سال است.
- ۳- دوران امامت پس از هجرت که حدود سه سال بود و در ایران حضور داشت.
- از دوران امامت امام رضاؑ که بیست سال به طول انجامید، ده سال با خلافت هارون، پنج سال، با خلافت امین و حدود پنج سال با خلافت مأمون بود.

شهادت ّ ه حل فی

امام رضاؑ سرانجام پس از ۵۵ سال، در آخر ماه صفر ۲۰۳ه.ق. با زهری که به دستور مأمون به آن حضرت خورانده بودند به شهادت رسید.

جلسه سوم: رابطه عاطفی امام رضاؑ با شیعیان

غیبه: ین غی ّ بَص اَج تَط ل س ّ ّ اَح تَی س ّ س چ د
س د گَی ت ّ ت ل د: 1 ت ش ا ّ ف ظ ب ه ّ حِ گَی ش ّ ط ل
ض ر س ی ّ ّ ط ا ح ه س ص س ت ی که آ ب ّ م ق ی ت و ت ّ ح ّ ه ب ی ذ.
2 ت ش ا ی ف ظ ی ّ خ ّ ی م غ ّ م ه ف ظ ی ّ ا ّ ا ج ت
ا ع ت.

3- گ ل ش س ّ ب ه ّ بَص ّ حِ ح ن س ع ی ت خ ّ د س ا ّ ی ح ه
م د، ّ چ ّ چ ّ ه ت ا ّ د س ی ّ بَص ع ی ت ا ّ س ل ذ ّ ذ م ی ّ ی ذ س
ب ّ ب ّ م ش ط ر د ّ س ّ غ ی ش ی ّ ص س ت ّ بَص س ل ت و ن ّ ذ
ّ ع ی ت ا ّ س ل ذ ّ ذ.

4- گ ل ش د س ی ّ بَص ی ف ا ّ د م ه ّ غ ج ذ ّ ج ظ ا ع ت، گ ل ش
ق ّ ت ّ بَص ر ی د ا ع ت ّ بَص ق ض ّ ی ی ّ ت ی ّ ی ذ ّ بَص س ا
ت و ن ّ ذ ّ غ ج ن س ت غ ی ش ک ّ ذ ّ ی ّ ظ ّ بَص س ل ک خ ا ّ د.

5 گُلش پي کِلص آن پشه سم عَش د، پ دگُم پي د که
 رايُب لب سفلش ا گ شد، چ چ ق ت بَص عي غ
 نبی د، یغ ذت اعتقش ا گفت اَب بَص س لثون ذ.¹

بعد از مسئله سخن خود را با سخنی نورانی از مولود
 مبارک این ماه، امام مهربانی ها علی بن موسی الرضا علیه السلام آغاز
 کنم که فرمود:

مَنْ فَرَجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس
 که اندوهی از فردی مؤمن برطرف نماید، خداوند در قیامت،
 اندوه را از قلب او دور می گرداند.²

امام رضا علیه السلام که به حق امامی رئوف بود، رابطه ای توأم با
 رأفت و مهربانی با دوستان و شیعیان خود داشت و دارد. در
 این جلسه قصد داریم گوشه از رابطه عاطفی آن امام رئوف را
 به تصویر بکشیم و این را در چند مطلب خلاصه می کنیم:

۱. خیرخواهی به شیعیان

همان طور که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای همگان رحمت بود:
 "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ"³ امام رضا علیه السلام نیز مایه
 رحمت برای همگان بوده و هست. این به آن دلیل بود که
 حضرت، امام را همدمی مهربان، پدری دلسوز، برادری

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳. انبیاء (۲۱): ۱۰۷.

صمیمی و مادری خیرخواه برای فرزند کوچک خود می دانست،^۱ از این رو، برای همگان و سعادت تمامی شیعیان دعا می کرد، چنان که در دعای سجده می فرمود:

یا کریم! إِغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ؛^۲ ای خدای بزرگوار! تمام زنان و مردان مؤمن را که در شرق و غرب عالم زندگی می کنند مورد رحمت خویش قرار بده.

آن حضرت در جای دیگر، در عنایت و توجه به تمام شیعیان بدون هیچ تفاوتی میان آنان، فرمود:

مَنْ عَادَى شِيعَتَنَا فَقَدْ عَادَانَا، وَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَانَا، لِأَنَّهُمْ مِنَّا خُلِقُوا مِنْ طِينَتِنَا، مَنْ أَحَبَّهُمْ فَهُوَ مِنَّا، وَ مَنْ أَبْغَضَهُمْ فَلَيْسَ مِنَّا، ... مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضْنَا لِمَرَضِهِ، وَ لَا يَغْتَمُّ إِلَّا اغْتَمَمْنَا لِغَمِّهِ، وَ لَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرَحْنَا لِفَرَحِهِ، وَ لَا يَغِيبُ عَنَّا أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا أَيْنَ كَانَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا؛ هر که با شیعیان ما دشمنی کند با ما دشمنی کرده و هر که آنان را دوست بدارد ما را دوست داشته است، چرا که آنان از ما خاندان بوده و از طینت ما آفریده شده اند. هر که آنان را

۱. «الامامُ الأنيسُ الرفيقُ، و الوالدُ الشفيقُ، و الأخُ الشقيقُ، و الأمُّ البرةُ بالوَلَدِ

الصَّغِيرِ»، کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۳.

دوست بدارد از ماست و هرکس کینهٔ آنان را به دل گیرد از ما نیست ... هیچ شیعه‌ای از شیعیان ما مریض نمی‌شود، مگر آنکه ما به خاطر بیماری او بیمار می‌گردیم و محزون نمی‌گردد جز آنکه ما به حزن او محزون می‌شویم. هیچ یک از شیعیان ما هر جا که باشند، در شرق و یا در غرب زمین باشند از ما دور نیستند.^۱

۲. عنایت به جنازهٔ دوستان

لازم به یادآوری است که رأفت امام و رابطهٔ عاطفی آن حضرت با دوستانشان، به زمان حیات آنان منحصر نمی‌شود، بلکه بعد از مرگ نیز، شاملشان می‌گردد.

موسی بن سیار گوید: در خدمت امام رضا علیه السلام بودم که ناگاه صدای شیون به گوش رسید، بی درنگ امام حرکت کرد و به سمتی رفت که شیون به گوش می‌رسید. در آنجا جنازه‌ای یافت که بستگانش در کنار آن جنازه شیون می‌کردند. آن حضرت، مانند مادری که فرزند خویش را در بغل می‌گیرد، آن جنازه را در بغل گرفت و سپس فرمود:

مَنْ شَیَّعَ جَنَازَةَ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيَائِنَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ لَا ذَنْبَ لَهُ؛ هرکس جنازهٔ دوستی از دوستان ما را تشییع

^۱. همو، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۵۰.

کند، چنان از گناهانش فاصله گیرد که گویا مادرش او را تازه به دنیا آورده است و هیچ گناهی بر او نیست^۱

حضرت در مراسم تشیع آن جنازه شرکت کرد و آن را تا کنار قبر همراهی کرد و سپس دست مبارک خود را بر سینه جنازه گذاشت و فرمود: **يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، أَبْشِرْ بِالْجَنَّةِ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْكَ بَعْدَ هَذِهِ السَّاعَةِ؛** ای فلانی فرزند فلانی، بشارت باد بهشت بر شما و از این پس هیچ خوفی و هراسی بر شما نیست.

راوی می گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا این مرد را می شناختی؟ فرمود:

يَا مُوسَى بْنِ سَيَّارٍ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَعَاشِرَ الْأُئِمَّةِ تُعَرِّضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِيعَتِنَا صَبَاحاً وَ مَسَاءً، فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ، وَ مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ؛ ای موسی پسر سیار! آیا نمی دانی که اعمال شیعیان ما هر صبحگاهان و شامگاهان بر ما امامان عرضه می شود؟ هر جا که در اعمالشان قصور باشد خدا را مسئلت می کنیم که از آنان در گذرد و در هر موردی که پیشرفتی در عملشان باشد برای صاحبان آن طلب پاداش می کنیم.^۲

۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۹۴.

۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۴۱.

۳. رابطه عاطفی در قیامت

دوستان امام رضا علیه السلام در قیامت نیز از رابطه عاطفی و دوستی توأم با رأفت آن امام برخوردارند، این سخن نورانی و نوید بخش آن امام، دلیل بر این واقعیت است که فرمود:

مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدٍ دَارِي أُتِيَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلَصَ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا، وَ عِنْدَ الصُّرَاطِ، وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ؛ هرکس از راه دور به زیارت من بیاید، روز قیامت در سه موقف به نزد او خواهم رفت و او را از دهشت‌های آن موقف‌ها رها خواهم ساخت، هنگامی که نامه‌های اعمال به دست راست و چپ افراد داده شود، در هنگام عبور از پل صراط و در هنگام سنجش اعمال.^۱

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، ص ۱۶۸.

رَز د آزد نبرلرب 71 شری ر، رز هبرز

بیبیس آدی

غیبه: نب تَجَهْته لیگه ب غیبهی نَکَهِفِی
دلری نَشْای لیگه یقی ک یگه تَکَهِفِی سَا خَ عَ اجَبْ
دایِ الصَّ اعْتِیْثِیذِ کِیْفِ بَیْ نَیْثِیذِ کَهِتْ آذِ
اِنِ سَا صِ سَ هِی وَتْ ذَعْتَ اَسْ یِ بِلِصِ بَیْ نَیْثِیذِ
تَکَهِفِی خَ دَسْ اَنَشْ اَنَشْ فِ اَیْ اَ اَیْ دِ نِیْ بَته
اِیْ بَطْگَ وَکْ نَته عَسَ کِیْقِی مَ نَیْثِیْفِ خَ دَسَا
اَجَبْ دادَ اعْت.¹

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد
"یونسکو" هفده شهریور برابر با هفتم سپتامبر را روز
جهانی مبارزه با بی سوادی نامگذاری کرد. با نامگذاری
چنین روزی به نام روز جهانی مبارزه با بی سوادی از سوی
سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد یونسکو،
جهانیان حذف این پدیده شوم را از جامعه بشری خواستار
می شوند؛ زیرا یکی از شاخص های رشد در جوامع متمدن،
میزان بهره مندی مردم آن کشور از حداقل سواد نوشتن و
خواندن است. بدیهی است مبارزه با بی سوادی نه تنها در
مقوله توسعه فرهنگی به عنوان نخستین گام قلمداد

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۱.

می‌شود، بلکه در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز حایز اهمیت ویژه‌ای است.

اولین سازمانی که در ایران برای مبارزه با بی‌سوادی تأسیس و آغاز به کار کرد، سازمانی بود که در سال ۱۳۱۵ش. برای آموزش بزرگسالان در ایران تشکیل شد، اما این سازمان، سازمانی نا کارآمد بود و فعالیتی چشمگیر از خود نشان نداد تا آنکه انقلاب اسلامی به ثمر نشست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با صدور فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی(ره)، نهضت سوادآموزی در هفتم دی‌ماه ۱۳۵۸ شروع به کار کرد و با تشکیل کلاس‌های سوادآموزی، امکان تشکیل کلاس را در تمام نقاط کشور به وجود آورد.

فرهنگ متعالی اسلام درباره علم آموزی و ستیز با جهل و نادانی، شیوه‌ای مؤثر برگزید تا هرگونه موانعی را از سر راه تحصیل علم بردارد و هرگونه سدّی را درهم شکند. راهکارهای زیر نمونه‌ای از این شیوه است:

۱. وجوب همگانی تحصیل علم

یکی از موانعی که ممکن است سد راه تحصیل علم شود، این طرز تفکر است که برخی می‌پندارند فراگیری علم، ویژه اشراف زادگان است، اما دین اسلام با بیانی شکننده، این پندار را در هم شکست و تحصیل علم را

امری همگانی معرفی کرد و اعلام داشت: **طَلَبُ الْعِلْمِ** **فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ**^۱ تحصیل علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

۲. ضرورت همه وقتی تحصیل علم

هر چند تحصیل علم در دوران کودکی و نوجوانی، هم آسان‌تر و هم مؤثرتر است، اما مکتب اسلام، علم آموزی را در هر حال^۲ و تا پایان عمر، پسندیده و بایسته می‌داند: **أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ**^۳ زگهواره تا گور دانش بجو.

۳. ضرورت تحمل مشکلات در فراگیری علم

فراگیری علم مانند هر کاری، مشکلات و سختی‌های ویژه‌ای دارد، مواجه شدن با مشکلات اقتصادی، عدم وجود تحصیل رایگان، تحمل رنج غربت، مسافرت به شهرهای دور دست و مانند آن، از جمله این مشکلات است که شاید آدمی را از ادامه تحصیل بازدارد. به همین جهت است که گفته‌اند: برای هر چیزی آفتی است و برای علم آفت‌هایی است.

۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۹.

۲. نک: صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات الکبری، ص ۱۴۷.

۳. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ص ۷۸.

با این همه مشکلاتی که تحصیل علم دارد، مکتب اسلام در این امر مهم، همگان را به ضرورت تحمل مشکلات در امر تحصیل علم، فرا خوانده است، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: علم را بجوید هر چند در جایی دور دست مانند چین باشد، چراکه طلب دانش بر هر فردی مسلمان واجب است.^۱

امام صادق علیه السلام نیز در اشاره به تحمل سختی‌ها در امر تحصیل علم فرمود: **أُطْلَبُوا التَّعَلُّمَ وَ لَوْ بِخَوْضِ اللَّحَجِّ وَ شَقِّ الْمُهْجِ**؛^۲ در پی آموختن برآیید، هرچند که با فرو رفتن در ژرفای دریاها و شکافتن دل‌ها باشد.

۴. ضرورت فراگیری علم از همگان

علم، درّی گرانبهاست و نزد هرکس که باشد باید آن را آموخت، هرچند که در دست دشمن و نا اهلان باشد، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: **الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا**؛^۳ حکمت گمشده مؤمن است و هر کجا آن را بیابد او به آن شایسته‌تر است.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۱۴.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۷.

۳. شهید ثانی، منیه المرید، الاعلام الاسلامی، ص ۱۷۳.

امام علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: **خُذِ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ أَتَاكَ بِهَا وَانْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ؛**^۱ حکمت را از هر که به تو ببخشد فراگیر و بنگر که آنچه گفت چیست و منگر که گوینده کیست.

۵. تعلیم و تعلم اجباری

آنسان که روشن شد، هرچند شریعت اسلام فراگیری علم را امری پسندیده و بایسته دانسته و در امر مبارزه با بی‌سوادی، موانع را برطرف ساخته است، ولی باید توجه داشت تا الزام و اجباری در کار نباشد ممکن است از سوی فراگیران یا استادان، در امر مقدس یادگیری و یاد دهی کوتاهی شود، اما مکتب اسلام که فراگیری علم را امری واجب می‌داند در اهمیت دادن به این فریضه، گاه فراگیران را مجبور به تحصیل علم کرده است و گاه استادان را ملزم به تعلیم نوآموزان نموده است.

امام صادق علیه السلام در این باره که گاهی لازم است، برخی افراد مجبور به تحصیل علم شوند فرمود: **لَوْ دَدْتُ أَنْ أَصْحَابِي ضُرِبَتْ رُؤُوسُهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا؛**^۲ دوست

۱. لیشی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکمه و المواعظ**، ص ۲۴۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۱، ص ۳۱.

دارم با تازیانه بر سر اصحاب من زده شود تا ملزم به علم
آموزی شوند.

سخن پیامبر اعظم ﷺ که کتمان کنندگان علم را
مستحق لعن در دنیا^۱ و نیز مستحق دوزخ در قیامت
دانسته است،^۲ نمونه‌ای بر الزام اخلاقی استادان بر تعلیم
نوآموزان است.

۱. نک: امینی، عبدالحسین، *الفدیر*، ج ۸، ص ۱۵۳؛ سیوطی، جلال الدین،

الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. نک: طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، ص ۳۷۷.

رَئِيسُ دُنْبَرِ بَرِيب 02 شَی رُ: جَہتۂ لَہِیبَت دُنْبَرِ بَرِیب جَہری در یَی رُک

روز پانزدهم ذیقعدہ سال جاری کہ برابر با یازدهم سپتامبر است، یادآور وقوع حادثہای پیچیدہ در تاریخ آمریکاست، این حادثہ کہ در سال ۲۰۰۱م. اتفاق افتاد، ابتدا شایع شد کہ این واقعہ، حادثہای تروریستی بود کہ توسط نوزدہ تن از تروریستہای القاعدہ بہ دستور سرکردہ آنان اسامہ بن لادن صورت گرفت، رسانہهای آمریکایی و در پی آن رسانہهای اروپایی، بہ سر زبانها انداختند کہ تروریستہای القاعدہ، در شبکۂ هوایی آمریکا نفوذ کردہ و موفق بہ ربودن چہار ہواپیمای مسافربری شدند، آنها پس از بلند شدن از فرودگاہ، ہواپیماها را بہ برجہای چہار قلوۃ دہ طبقہ کوبیدند کہ در این حادثہ افزون بر ہمۂ سرنشینان ہواپیماهای یاد شدہ، بالغ بر ۲۹۷۴ نفر، ۲۴ نفر دیگر نیز در این حادثہ جان باختند.

اما چیزی از این حادثہ سپری نشدہ بود کہ برخی از شاہدان عینی و شخصیتہای آمریکایی با زیر سؤال بردن فرضیۂ یاد شدہ و مشکوک خواندن برخی مطالب ارائه شدہ

از سوی دولتمردان آمریکا دربارهٔ چگونگی حادثهٔ یازدهم سپتامبر، این واقعه را حادثه‌ای ساختگی خواندند که توسط عوامل اسرائیل و برخی عناصر داخل هیئت حاکمهٔ آمریکا صورت گرفته است و آن گونه که دولت آمریکا مدعی است حملات تروریستی یازدهم سپتامبر، به دست تروریست‌های القاعده طراحی نشده است. بلکه صهیونیست‌ها و عوامل اسرائیل این تراژدی را طراحی کردند تا بهانه‌ای به دست دولت مردان آمریکا بدهند که مقدمات حمله به افغانستان و عراق را فراهم آورند.

گفتهٔ یک سرباز بازنشستهٔ نیروی هوایی آمریکا که مأموریت یافته بود تا لاشه‌های هواپیما را جمع آور کند، دلیل بر این نقشه است که می‌گوید: حادثهٔ یازدهم سپتامبر آن گونه که می‌گویند نبوده است، بلکه ما به خودمان حمله کردیم تا مقدمات تهاجم به عراق را آماده کنیم.

او در ادامه می‌گوید: من مأموریت یافتم که به محل حادثه بروم تا لاشه‌های هواپیما را جمع آوری کرده و از محل حادثه بیرون ببرم ولی در محل، هیچ اثری از بدنه، بال و دم هواپیما یافت نشد و تنها چیزی که در محل حادثه یافتیم، یک موتور کهنهٔ هواپیما بود که نه توأم با لاشهٔ هواپیما بود و نه به جایی خورده بود. این نشان می‌دهد که حادثهٔ یاد شده کاملاً ساختگی است.

ر زبیس ت س م: ر ز زبجی ابم رضی
 غیبه: یغش شئی ذ ب ص بی چبیس سکتی س لب یت
 شط د سکتی خ آذ. ا ه آنه فغش ا ط شط یت
 فغش خ شریک یجیذ. د آنه ط ا ه یغش ت قصذ
 دایه یغش یغش خ شط د. ع آنه د س ی س ا ط
 قصذ خ شط گش دد. چبیس آنه خ ا یغش یغش یغش
 شه یغش خ ط ع خ شط یغش یغش یغش
 هس یجی ت ب ذ. ۱ چهار شرط دیگر در جلسه بعدی

بنابر قولی روز بیست و سوم روز شهادت امام رضا علیه السلام
 است.^۲ این روز چه مصادف با روز شهادت آن حضرت
 باشد یا نباشد، روز زیارتی مخصوص آن امام می باشد. در
 طول سال، تنها این روز، روز زیارتی مخصوص آن حضرت
 اعلام شده است. سید بن طاووس در خصوص زیارت
 ایشان در این روز، می گوید:

يَسْتَحِبُّ أَنْ يُزَارَ مَوْلَانَا الرضا -عليه السلام- يوم ثالث و
 عشيرين من ذى القعدة من قرب او بعيدٍ ببعض زيارته

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، چکیده مسئله ۱۲۷۲ تا ۱۳۱۸.

۲. مفید، محمد بن محمد، مسار الشیعه، ص ۳۴؛ حلی، علی بن یوسف،

العدد القویه، ص ۲۷۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۹۳.

المعروفة؛^۱ مستحب است مولای ما امام رضا علیه السلام در روز بیست و سوم ذیقعه با قرائت برخی زیارتنامه‌های معروف، از دور یا نزدیک زیارت شود.

به این مناسبت که روز بیست و سوم ذیقعه به زیارت امام رضا علیه السلام اختصاص یافته است، دو مطلب را لازم به ذکر می‌دانیم که در دو جلسه تقدیم می‌گردد:

جلسه اول: فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

اکنون که شب و روز بیست و سوم ماه ذیقعه به عنوان روز مخصوص زیارتی امام رضا علیه السلام اعلام شده، خوب است برای تشویق به زیارت آن حضرت، نگاهی کوتاه به فضیلت زیارت آن امام رئوف داریم که به این شرح تقدیم می‌گردد. امّا پیش از شمردن فضیلت زیارت آن حضرت، باید گفت: هرچند رسالت و امامت، دو جلوه الهی و ربانی هستند، ولی آنچه راه وصول به این جلوه‌ها را آسان می‌کند و در پرتو آن، قرب به حق و توحید را تأمین می‌کند، ارتباط با رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت آن حضرت در قالب زیارت است؛ چراکه زیارت روح و جان آدمی را صیقل می‌دهد و از کدورت‌ها و ناپاکی‌ها رهایی می‌بخشد. در این میان زیارت قبر مطهر امام رضا علیه السلام از

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۳.

ویژگی خاصی برخوردار است و آثار و برکات مخصوص به خود دارد که در این مجال برخی را یادآور می‌شویم:

۱. برتری از زیارت امام حسین^{علیه السلام}

در آموزه‌های اسلامی، زیارت حضرت رضا^{علیه السلام} برتر از زیارت سیدالشهدا^{علیه السلام} معرفی شده است. حضرت عبدالعظیم حسنی^{علیه السلام} گفت:

به امام جواد^{علیه السلام} عرض کردم: یابن رسول الله! مانده‌ام که الآن به زیارت قبر حضرت سیدالشهدا^{علیه السلام} مشرف شوم یا به زیارت قبر پدرتان نائل آیم؟ فرمود: زیارت پدرم افضل است زیرا بسیاری از فرق اسلامی مانند کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، واقفیه و مانند آن، به امامت حضرت سیدالشهدا^{علیه السلام} اقرار داشته و به زیارت آن حضرت می‌آیند، در حالی که تنها شیعیان دوازده امامی پدرم را قبول دارند و به زیارت آن حضرت می‌روند؛ زیرا بیشتر انشعابات که در مذهب تشیع صورت گرفته، انشعابات بوده است که پیش از پدرم رخ داده است.^۱

۲. برابری با حج مبرور

سلیمان بن حمص گفت: از موسی بن جعفر^{علیه السلام} شنیدم که فرمود: هرکس قبر فرزندان علی^{علیه السلام} را زیارت کند خداوند

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۵۶.

پاداش هفتاد حج مبرور به او عطا می‌کند. با تعجب گفتم:
هفتاد حج مبرور؟! فرمود: آری. هفتاد هزار حج.^۱

۳. برخورداری از ثواب شهید

حمزة بن حمران از امام صادق (ع) نقل می‌کند که
فرمود: هر کس نواده مرا در طوس خراسان با معرفت به
حقش، زیارت کند اجر هفتاد شهید از شهدایی که در کنار
رسول اکرم (ص) پیکار کرده‌اند، به او داده می‌شود.

عرض کردم، فدایت شوم عرفان به حقش چگونه
است؟ فرمود: عَلِمَ أَنَّهُ إِمَامٌ مُّقْتَرَضٌ طَاعَتُهُ غَرِيبٌ وَ شَهِيدٌ؛
بداند که او امام واجب‌الاطاعة و غریب و شهید است.^۲

۴. حرام شدن آتش جهنم

عن عبدالعظیم الحسنی قال: سمعتُ ابا جعفر یقول: ما زارَ
أبی أحدٌ فأصابه اذى من مطرٍ او بردٍ او حرٍّ إِلَّا حُرِّمَ جَسَدُهُ
على النار؛ هیچ کس به زیارت پدرم نمی‌رود و گرفتار
ناراحتی از قبیل باران، سرما و گرما نمی‌شود مگر اینکه
بدنش بر آتش جهنم حرام می‌شود.^۳

۱. نک: ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **الأمالی**، ص ۱۸۲

۲. همان، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۷۵۲.

۵. ورود به بهشت

علی بن مهزیار گفت: به حضرت جواد علیه السلام گفتم: پاداش زائر پدر شما چیست؟ فرمود: **الْجَنَّةُ وَ اللَّهُ**؛ بهشت است به خدا قسم.

خود امام رضا علیه السلام نیز در این باره فرمود: **أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي ... حُشِرَ فِي زُمْرَتِنَا وَ جُعِلَ فِي الدَّرَجَاتِ مِنَ الْجَنَّةِ رَفِيقُنَا**؛ بدان که هرکس مرا در غربتم زیارت کند ... با ما محشور می شود و در درجات عالی بهشت رفیق ما خواهد بود.^۱

۶. نجات از هول‌های قیامت

امام رضا علیه السلام که در تلاش برای نجات زائر خویش است فرمود:

مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدٍ دَارِي أُتِيَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلِصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا، عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ؛ هرکس مرا در این فاصله دوری که دارم، زیارت کند، روز قیامت سه جا به دادش خواهم رسید و او را از شدت آن سه مورد نجات می‌دهم: (۱) هنگامی که نامه‌های اعمال به دست راست یا چپ داده می‌شود، (۲) هنگام عبور از صراط و (۳) هنگام سنجش اعمال.^۲

۱. همان، ص ۱۲۰.

۲. همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۵.

۷. برخورداری از شفاعت

روز قیامت روزی هول انگیز است و اهل محشر نیازمند یاری و شفاعت هستند و دست همه به سوی شفیعان روز قیامت بلند است زیارت امام رضا علیه السلام عاملی برای برخورداری از شفاعت خاندان عصمت و طهارت است. حسین بن فضال از پدر خود نقل کرده است که گفت: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي كُنْتُ أَنَا وَ آبَائِي شُفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كُنَّا شُفَعَاءَهُ نَجَى؛ بدانید که هرکس مرا در غربتم زیارت کند، من و پدرانم روز قیامت شفیع او خواهیم بود، هرکس که ما خاندان شفیع او باشیم نجات می یابد.^۱

۸. برآمدن حاجت

صقر بن دلف گفت: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود: هرکس برآورده شدن حاجتش را از خدا بخواهد، باید غسل کند و به حرم امام رضا علیه السلام برود و در بالاسر آن حضرت دو رکعت نماز گزارد و در قنوت آن هرچه که مشروع است از خدا بخواهد، خدای تعالی نیازش را برآورده خواهد ساخت.^۲

^۱. همو، الأمالی، ص ۷۰۹.

^۲. همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۲.

جلسه دوم: معرفت نامه زیارت

غُیْبَه: دَس اِدا یَه ی شرایِظ ی نَگَبَه کَص غِیْش
س عِیْذِیْش طُجَّ اُیْ اَعْت مَفْش مَلَس دِش
عَفْش نَ ذِیْ اَن صَدِش اِیْ جَبْیْذ مَدِش شَبْ بُ
شِیْغ جِش بَیْ یَیْ ذِیْ اَن ه ی غَو اِغْش
بِیْیْذِیْ اَن ه دَفْش خَصِش عَنِیْکِ اَصْ عِیْ
شَقْذ سَ دَس یْذ مَه دِیْش یْش س اِیْ ذِیْ اَن
اُس اِیْ دِیْ

باتوجه به متون دینی خصوصا زیارت نامه‌ها که در حقیقت، نوعی معرفت‌نامه زیارت است، چندین نکته قابل استفاده است.

۱. زائر بودن، مقام و منزلتی است که توفیق می‌خواهد و این توفیق نصیب هر کسی نمی‌شود، لذا در دعاها خواسته عاشق توفیق زیارت معشوق و محبوب است: **اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا زِیَارَةَ بَیْتِکَ وَ زِیَارَةَ قَبْرِ نَبِیِّکَ.**

۲. زیارت ارتباطی زنده و موثر است که از دو طرف زنده ایجاد می‌شود هرچند که در ظاهر، زیارت شونده در دل خاک

خفته است. فرازهای اذن دخول در زیارتگاه‌های مشرفه شاهد این رابطه است: **اشهد انک تسمع کلامی و تری مقامی.**

این سخن نبی مکرم اسلام ﷺ نیز شاهد این مطلب است که نوعی ارتباط دو طرفه را ثابت می‌کند چنانکه گفته‌اند: هر رفتی آمدی دارد: آن حضرت فرمود: **مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُنْقِذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا؛** کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، در روز قیامت به دیدار او خواهم رفت و از هراس‌ها و وحشت‌های آن روز نجاتش خواهم داد.

۳. هرچند حج و زیارت خانه خدا امری بسیار مهم است ولی قبولی همین امر مهم مشروط به داشتن ولایت و زیارت قبور پیامبر خدا ﷺ و امامان نور ﷺ است، چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... **وَأَتِمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلْزَمَكُمُ اللَّهُ حَقَّهَا وَ زِيَارَتَهَا؛**^۲ حج خود را با زیارت قبوری به اتمام برسانید که خداوند حق آنها و زیارت آن قبور را بر شما لازم کرده است.

۴) در فرایند زیارت است که عهد و بیعت با محوریت توحید و امامت پیشوایان دین تجدید می‌گردد،

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۳۲.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۵۵.

این را از امام رضا (ع) بشنویم که فرمود: **إِنْ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدٌ فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ، وَ إِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ؛** به راستی، برای هر امامی به گردن دوستان و پیروانش پیمانی است که از شرط‌های وفا به این پیمان، زیارت قبور آنان است.^۱

(۵) چهارده نور پاک که به انسان پرستش ذات باری تعالی را آموخته‌اند، کسانی هستند که خداوند دوستی آنان را واجب دانسته است: **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.**^۲ ناگفته روشن است که زیارت و تشرف به حرم خاندان عصمت و آنها را واسطه فیض دانستن از راه‌های ابراز دوستی با این خاندان است.

(۶) غیر از محبت، عنصر دیگری نیز در زیارت نقش عمده‌ای دارد و آن قصد است، یعنی از همان آغاز، مقصد و مقصود زائر مشخص است، زائر غافل نیست بلکه برکار خود عالم است و بر قصدی که دارد عمد و یقین دارد، این همان است که در زیارت امام رضا (ع) می‌خوانیم: **قَصَدْتُ حَرَمَكَ وَ أَتَيْتُ مَشْهَدَكَ.**

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۱۷.

۲. شورا (۴۲): ۲۳.

۷) زیارت همراه معرفت دارای ارزشی بسیار است، در بیشتر روایات و متون زیارت، به عنصر معرفت اشاره شده است، عبارت «عارفاً بحقک» گویای این نکته است که شناخت نقش اساسی در زیارت دارد.

۸) رسیدن به مقامات معنوی و کمالات ملکوتی، بدون دوستی اولیای الهی امکان پذیر نمی‌باشد و پذیرش اعمال هر مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود؛ به قول مولوی:

هر که خواهد همنشینی با خدا

او نشیند در کنار اولیا

روز بیست و پنجم:

۱. روز دحو الأرض

روز بیست و پنجم ذیقعد، روزی است که دحوالأرض در آن روز اتفاق افتاده است. «دحو» به معنای بسط و گسترش است،^۱ و بعضی نیز آن را به معنای تکان دادن چیزی از محل اصلی‌اش تفسیر کرده‌اند.^۲

منظور از دحو الأرض و گسترده شدن زمین این است آب‌ها که در آغاز، تمام سطح زمین را فراگرفته بود، با گذشت زمان در گودال‌های زمین جای گرفت و خشکی‌ها از زیر آب سر برآورد و روزه‌روز گسترده‌تر شد. از این روز، بخش‌هایی از کره زمین شروع به خشک شدن کرد تا کم کم به شکل ربع مسکونی امروزی درآید. مطابق روایات، نخستین نقطه‌ای که از زیر آب سر برآورد سرزمین مکه و کوه‌های اطراف کعبه و بیت‌الله الحرام بود.

۱. نک: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، ص ۱۶۴.

از طرف دیگر، زمین در آغاز به صورت پستی‌ها و بلندی‌ها یا شیب‌های تند و غیر قابل سکونت بود. بعدها باران‌های سیلابی بارید، ارتفاعات زمین را شست و دره‌ها را گسترده. اندک اندک زمین‌های مسطح و قابل استفاده برای زندگی انسان و کشت و زرع به وجود آمد. مجموع این گسترده شدن، «دَحَو الْأَرْضِ» نامگذاری می‌شود.^۱

در چند آیه از قرآن کریم نیز به دحو الأرض اشاره شده که آیات زیر از جمله آنهاست:

- وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا؛^۲ و زمین را پس از آن گسترش داد.

- وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ؛^۳ و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌ها استوار افکندیم.

- هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْهَارًا؛^۴ او کسی است که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها قرار داد.

در کتاب‌های دعا نیز روزی به عنوان «دحو الأرض» ثبت شده است که روز بیست و پنجم ماه ذیقعد می‌باشد

۱. نک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۰۱.

. نازعات (۷۹): ۳۰.

. حجر (۱۵): ۱۹.

۴. رعد (۱۳): ۳.

و برای این روز نماز، روزه و دعاهاى ویژه‌اى وارد شده است. دعای این روز مشتمل بر مضامین عالی عرفانى، اخلاقى، اجتماعى و طلب رحمت مى‌باشد.

شیخ صدوق در فضیلت روزه در این روز مى‌گوید: هرکس در این روز روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه روزه گرفته باشد.^۱

یکی از اعمال و دستورهای بیست و پنجم ذیقعه احیا و شب‌زنده داری آن است که برابر با عبادت صد سال مى‌باشد.^۲

نمازی که برای این روز نقل شده دو رکعت است، به این صورت که در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره و الشمس بخواند و بعد از سلام نماز بگوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. و نیز پس از آن این دعا را بخواند:

يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَقْلِنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ إِسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي وَ مَا عِنْدِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۱

۱. ابن بابوی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۷۹.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۱۲.

گذشته از واقعه دحوالأرض، رویدادهای دیگری نیز در این روز رخ داده‌اند که اهمیت آن را دوچندان می‌کند. برخی از این مناسبت‌ها در روایت حسن بن علی وشار آمده که می‌گوید: من کودک بودم و با پدرم شبی به خدمت امام رضا^{علیه السلام} مشرف شدیم و آن شب بیست و پنجم ماه ذیقعه بود. امام فرمود: امشب حضرت ابراهیم^{علیه السلام} و حضرت عیسی^{علیه السلام} متولد شده‌اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است و در این روز است که حضرت قائم(عج الله تعالی فرجه الشریف) در این روز قیام خواهد کرد.^۲

. همان، ص ۳۱۴.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی(شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲،

ص ۸۹؛ همو، ثواب الاعمال، ص ۷۹.

۲. آغاز عزیمت سیاسی امام رضا (ع) از مدینه به مرو

یکی از رخدادهای قابل توجه که در حیات سیاسی امام رضا (ع) اتفاق افتاد و منشأ تحول بزرگ فرهنگی و جابجایی جغرافیای تشیع از مدینه به ایران شد، موضوع حرکت و عزیمت سیاسی آن حضرت از مدینه به مرو است. برابر اسناد موجود، آغاز این حادثه بزرگ و تاریخی در روز بیست و پنجم ماه ذیقعدة سال ۲۰۰ه.ق. واقع شده است.^۱

جلسه اول: اقدامات امام برای فزونی شیعیان

در ایران

عَنْهُ: كُشِ سَ دُنْشَخِي كُتَيْبَاءُ هَس دَعَكَبَ ظِي هَ
جَتِ يَ دَ مَهْطَل فِ غَذَبٍ رُشِيكٌ هِي كُشِ يَ دَ،
تَهْزَ - أَ اُشِ اَجَتِ اَعَتِ، كُشِ اَن هَ فِ غَذَبِ سِ كِي هَس
اُتْبِيذَ، بَ دَ اَن تَهْزَ - اَبْهَبْكَتِ عَنِي كُتَيْبِزْ شَدَّ
يَ تَيْبِ عِيَتِ كُتَيْبَ اَبْهَبْ هَكُتَيْبَاءُ يَ تَكِهَ هَس يَ صَ سَتِ
بِيضِ يَ غَتِ.^۲

۱. نک: مجتهد بیرجندی، وقایع الشهور، ص ۲۱۷؛ نمازی شاهرودی،

علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۵۶.

۲. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۲۷۹۷.

این واقعیت شیرین و تاریخی غیر قابل انکار است که حضور امام رضا علیه السلام در ایران به تقویت فرهنگ تشیع و افزایش پرشمار شیعیان در این سرزمین انجامید، اگر امروز ایران به کشور شیعه شهرت یافته، نتیجه حضور کوتاه آن امام در این دیار است. اما اینکه آن حضرت در این مدت چه اقداماتی انجام داد تا تشیع در ایران گسترش یابد و ماندگار بماند، نکاتی قابل توجه وجود دارد که بیان آن امری بایسته است. این نکات را در دو جلسه بیان می‌کنیم.

۱. تقویت اعتقاد به ولایت

یکی از اقدامات اساسی امام رضا علیه السلام که در ایران انجام داد تقویت جامعه ولایی بود. آن حضرت که سخت به این موضوع توجه داشت، برای تقویت این باور در میان ایرانیان، از هر فرصتی استفاده کرد، جریان حدیث سلسله الذهب نمونه‌ای از این فرصت است که امام پس از بیان کلمه توحید، به جایگاه بلند ولایت و نسبت آن با موضوع توحید اشاره کرد و فرمود: **بشروطها و أنا من شروطها.**

آن حضرت در توجه دادن عموم مردم به جایگاه ولایت، تا آنجا پیش رفته که ولایت را تأثیرگذار در عالم آفرینش معرفی کرده است: **لَوُخِّلَتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ**

لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا^۱ چنانچه زمین لحظه‌ای خالی از حَجَّت خداوند بماند، اهل خود را در خود فرو می‌برد.

۲. زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا

از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ شیعی، تقویت فرهنگ عاشورا است. این فرهنگ الگویی کامل و تمام عیار برای همه انسان‌های آزاده و آزاد اندیش در هر دین و آیین است، این فرهنگ است که سیمای واقعی فداکاری، آزادی‌خواهی، عدالت طلبی، شهادت و شهادت طلبی را به تمام معنی ترسیم کرده و به تصویر کشیده است. اعتبار و عظمت این نهضت، به حدی است که اندیشه حق طلبان و آزادی خواهان را از هر مسلک و عقیده به خود معطوف ساخته است. مهاتما گاندی از زمره این آزاد اندیشان است که درباره اهداف خود برای پیروزی کشور هندوستان می‌گوید:

من زندگی امام حسین^{علیه السلام} آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و به صفحات کربلا توجه کافی کرده‌ام و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد پیروز شود، بایستی از امام حسین^{علیه السلام} پیروی کند.^۲

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. هاشمی نژاد، عبد الکریم، *درسی که حسین به انسان‌ها آموخت*، ص ۳۸۲.

اقبال لاهوری نیز که استقلال و نجات پاکستان را
 مرهون قیام عاشورا می‌داند، در این باره، چنین سروده است:
 رمز قرآن از حسین علیه السلام آموختیم
 ز آتش او شعله‌ها افروختیم
 تا قیامت قطع استبداد کرد
 موج خون او چمن ایجاد کرد
 خون او تفسیر این اسرار کرد
 ملت خوابیده را بیدار کرد.^۱

امام رضا علیه السلام که از نقش پر ثمر جریان عاشورا در
 شکل‌گیری جامعه شیعی آگاه بود، پس از هجرت به ایران،
 از راه‌های مختلف استفاده کرد و توجه همگان را به این
 موضوع جلب کرد. آن حضرت در اشاره به بزرگی حادثه
 کربلا، گاه عظمت و بزرگی عاشورا و گاه عظمت خود
 قهرمان کربلا را گوش‌زد می‌کرد. آن حضرت در اشاره به
 عظمت امام حسین علیه السلام فرمود:

مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ
 زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ؛ هرکس قبر امام حسین علیه السلام را در کنار شطّ

^۱. بهشتی، ابوالفضل، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، ص ۳۳.

فرات زیارت کند همانند کسی است که خداوند متعال را بر فراز عرش زیارت کرده باشد.^۱

آن حضرت در جای دیگر، بزرگی روز عاشورا را گوش زد می کند و می فرماید:

مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَانِ عَيْنُهُ؛^۲ هر کس در روز عاشورا (به حرمت آن روز) از کسب و کار دست بردارد، خداوند خواسته های دنیوی و اخروی وی را برآورده می کند و در بهشت، چشمش به دیدار ما اهل بیت^{علیهم السلام} روشن می شود.

۳. دعوت از شیعیان مدینه

امام رضا^{علیه السلام} که در صدد ایجاد فرهنگ شیعی در میان ایرانیان بود، به خوبی می دانست به تنهایی قادر به انجام این رسالت بزرگ نیست؛ زیرا از یک سو شرایط سیاسی و دلایل امنیتی، به آن حضرت اجازه نمی داد تا به منظور گسترش فرهنگ شیعی، به هرجا برود و به هر قبیله ای سر بزند و فرهنگ شیعی را رواج دهد. و از دیگر سو می دانست که عمر و ماندن او در میان ایرانیان بسیار کوتاه است و برای

۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۵۰.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹.

درانداختن کاری بزرگ، این زمان اندک کافی نیست، اقدام به دعوت از سادات و افراد برجسته بنی‌هاشم کرد تا با هجرت به ایران و پخش شدن در شهرها و روستاها به رواج فرهنگ شیعی بپردازند. خواهرش حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و همراهان آن حضرت از جمله این دعوت شدگان‌اند.

هرچند هجرت به ایران برای این بانوی جوان سخت و سنگین بود، درعین حال به دنبال دریافت دعوت برادر و پی‌رسالتی بزرگ، سختی‌های این سفر را به جان خرید و راهی ایران شد تا اتفاقاتی بزرگ رقم زند و به جابجایی جغرافیای تشیع از مدینه به ایران و گسترش تشیع و معنویت در این سرزمین کمک کند.^۱

۴. برپایی مجالس کلامی و اعتقادی

یکی دیگر از اقدامات امام رضا علیه السلام که به تقویت تشیع در ایران انجامید، دعوت از مردم به منزل خود و برگزاری جلسات خانگی است که به هدف تبیین ولایت و امامت صورت می‌گرفت. تأثیر این اقدام امام تا حدی بود که مأمون از برگزاری آن جلسات احساس خطر کرد و از ادامه این کار ممانعت کرد.

۱. مهدی پور، علی اکبر، کریمه اهل بیت، ص ۴۹۳.

از عبدالسلام بن صالح هروی مروی است که گفت: جاسوسان مأمون این خبر را به وی دادند که امام رضا^{علیه السلام} در منزل خود مجالسی منعقد ساخته و در آن از امامت و دیگر موضوع‌های تشیع سخن می‌گوید و مردم را مفتون ساخته است. به دنبال این خبر بود که مأمون به حاجب خود محمد بن عمرو طوسی دستور داد تا مردم را از مجلس امام دور کند و آن حضرت را برای پاسخ‌گویی به نزد مأمون حاضر کند.^۱

جلسه دوم: ادامه اقدامات امام برای فزونی

شیعیان در ایران

غیبه: س نگظت یس - ی ع ی ع ت ت ب ک یض د ی ت ب م ه
ط ی ت د ع ت د ی ت ب ی ض ر س گ ی ع ی ش ی غ ن ط ل ق ی و د ی ت
ا ش ی و ی و ی ع ی ی غ ت. ی ش ی غ ی ب ی ل ی ا ع ت م ه ت ی ش
ذ ی ن ا ع ت ی ی ی ذ ی س نگظ ی ع ی ت م ذ.
ن ی س ر گ ی ب م ه ت ا ش ی و ی ک ت ب ه ا ش ی و ی س نگظت یس -
ل ی ذ، ی ی ی ت ه ا ع ل ی غ ی ب ی ی غ ذ.^۲

۵. نامه نگاری‌های امام^{علیه السلام}

مجموعه نامه‌های امام به افراد و اشخاص مختلف در تبیین و تشریح مبانی شیعه در مورد مسائل گوناگون از قبیل اثبات جایگاه اهل بیت^{علیهم السلام} و مباحث کلامی و اعتقادی است

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۲۸۳۴.

که به تبلیغ تشیع و گسترش آن در میان ایرانیان انجامید. یکی از این نامه‌ها نامه به عبدالله جندب است که درباره جایگاه اهل بیت علیهم السلام و منزلت آنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. او می‌گوید: من به امام رضا علیه السلام نامه نوشتم و از آن حضرت درباره آیه نور پرسیدم. آن حضرت در جواب نوشت:

... اما بعد همانا محمد صلی الله علیه و آله در میان خلقش امین خدا بود و چون آن حضرت درگذشت، ما خاندان وارث او شدیم، پس ما هستیم امین خدا در زمین، علم بلاها و مردن‌ها و نژاد عرب نزد ماست... خدا از ما و آنها پیمان گرفته که ما رهبرشان باشیم و آنها پیرو ما... ما ایم نجیب و رستگار و ما ایم بازماندگان پیغمبران و ما ایم فرزندان اوصیا و ما در کتاب خداوند جایگاهی بلند داریم و ما به قرآن سزاوارتریم و به پیغمبر صلی الله علیه و آله نزدیک‌تریم.^۱

۶. انفاق و کمک به مستمندان

از جمله اموری که دل‌ها را رام و با انسان همراه می‌کند کمک مالی به دیگران است. به همین سبب یکی از موارد مصرف زکات «المؤلفة بین قلوبهم» معرفی شده است. امام

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی مصطفوی،

رضا^{علیه السلام} که به نقش انفاق در تألیف قلوب و همراهی دیگران آگاه بود، به این موضوع اهمیت می داد.

نقل است که آن حضرت در چند نوبت در روز عرفه، همه دارایی خود را میان افراد کم درآمد در خراسان تقسیم کرد. فضل بن سهل که نمی توانست سخاوت آن حضرت را ببیند، گفت: این اقدام امام خسارتی بزرگ است. اما آن حضرت فرمود: **بَلْ هُوَ الْمَغْنَمُ، لَا تَعْدُنَّ مَغْرَمًا مَا ابْتَغَيْتَ بِهِ أَجْرًا وَ كَرَمًا؛** بلکه این کار غنیمت و سود است، آنچه را که برای دستیابی به پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیدی، خسارت و زیان مشمار.^۱

یکی دیگر از راههای کمک آن حضرت به دیگران این بود که در صورت امکان و داشتن توان مالی، بدهی بدهکاران را می پرداخت،^۲ یا بدهی آنان را ضمانت می کرد تا طلب کاران، فشار زیادی به آنان وارد نیاورند. سبب آن حکم این بود که آن حضرت، در معرفی این قانون فقهی فرمود:

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۷۰؛

عطاردی، عزیز الله، مسند امام رضا، ج ۱، ص ۴۸.

۲. نک: شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی

الرضا، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۳.

المُغْرَمَ إِذَا تَدِينُ أَوْ اسْتَدَانَ فِي حَقِّ أَجَلِ سَنَةٍ، فَإِنْ اتَّسَعَ، وَ
إِلَّا قَضَى عَنْهُ الْإِمَامُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ؛ به بدهکاری که به حق
قرض گرفته و یا مدیون شده باشد، به مدت یک سال مهلت
داده می‌شود که اگر گشایش یابد، بدهی خود را ادا بپردازد و
در غیر این صورت، حاکم اسلامی دین او را از بیت‌المال
خواهد پرداخت.^۱

۷. تکریم و تشویق شعرا

امام رضا علیه السلام برای ترویج فرهنگ تشیع از هر فرصتی بهره
می‌گرفت. یکی از این فرصت‌ها تکریم شعر و تشویق شاعران
بود. دِعبِل خزاعی از جمله این شاعران است که سخت مورد
تشویق امام قرار داشت. او می‌گوید: در یک نوبت که در مرو
محضر امام رضا علیه السلام مشرف شدم، عرض کردم قصیده‌ای
سروده‌ام که تاکنون برای کسی قرائت نکرده‌ام، آیا اجازه دارم
بخوانم. فرمود: بخوان و من قصیده را تا آخر خواندم. قصیده
که تمام شد صد دینار به من صله داد.^۲

۸. مهربانی با زیر دستان

بدیهی است که خادمان، غلامان، محافظان، سرایداران
و مانند آنها، هرچند در مرحله‌ای فروتر قرار داشته باشند،

^۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۸۳.

^۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۹۵.

آنها نیز انسان بوده و از منزلت و شخصیت ویژه خود برخوردارند. از این رو لازم است، منزلت و شخصیت آنان حفظ گردد، به احساسات آنان احترام گذاشته شود و حقوقشان رعایت شود. بدیهی است که این کار تأثیر شگرفی در محبوبیت انسان ایجاد می‌کند و آدمی را برای رسیدن به اهدافش کمک می‌کند. امام رضا^{علیه السلام} که به نقش این برخوردار آگاه بود، با زیردستانش رفتاری انسانی و اسلامی داشت و همواره منزلت و حرمت آنان را حفظ می‌کرد. یاسر خادم، می‌گوید:

امام رضا^{علیه السلام} به ما فرمود: هنگامی که به خوردن غذا مشغولید، حتی اگر من بالای سر شما ایستاده باشم، از جای خود بر نخیزید. بدین سبب آنگاه که آن حضرت، یکی از غلامان را صدا می‌زد و اظهار می‌داشتند که او دارد غذا می‌خورد، می‌فرمود: به حال خود بگذارید تا غذایش را بخورد..^۱

و نیز او می‌گوید: در همان روزی که مسمومیت امام به بالاترین حد خود رسیده بود، پس از فراغت از نماز ظهر پرسید: آیا اهل خانه و خدمت گزاران، غذا خورده‌اند؟ عرض کردم: آقای من! با این حالی که شما دارید کسی رغبت به

^۱. همان، ج ۱، ص ۴۰۷.

خوردن غذا ندارد. امام علیه السلام که این را شنید از بستر حرکت کرد و راست نشست و فرمود: **هَاتُوا الْمَائِدَةَ**؛ سفره بیندازید. سفره که انداخته شد، همهٔ خادمان و کارگران را به کناره سفره فراخواند. همه که سیر غذا شدند آنها را یکایک مورد محبت و تفقد مهربانانهٔ خود قرار داد: **وَيَتَقَدُّ وَاحِدًا وَاحِدًا**.^۱

۹. تشکیل مناظرات

هرچند مأمون به دلیل شیطنتی که داشت چهره علمی به خود گرفت و نشست‌ها و مناظرات علمی با ادیان و فرقه‌های گوناگون درباره امامت، نبوت و مانند آن به طرفیت امام رضا علیه السلام برگزار کرد، تا شاید امام علیه السلام را محکوم کند. اما این نقشهٔ او نیز نقش بر آب شد و امام در همهٔ این نشست‌ها بر حریفان خود فائق آمد. و این پیروزی به محبوبیت آن حضرت و گسترش اندیشه او در جامعه انجامید.^۲

^۱. همان، ج ۲، ص ۲۴۱.

^۲. همان، ج ۲، ص ۳۰۱.

روز بیست و ششم برابر با ۳۱ شهریور: آغاز جنگ

تحمیلی و هفته دفاع مقدس

غَیْبَه: گِلَش دئی یَشْثَالِدِ غَیْبَبْ یَشْ دذات آ
ج یَبْذ، اَجْتَاعَتْش جِیْ غَ غَیْبَبْ فَبْ عِلْ آثَه
بِشْ عَیْبَه اَمَه اِنْ دایْ مَتَبْ نَطْرِشْ هِیْ یَبْ هِ
سَیْ اِشْ اَتَبْ جِشْ هِ لْ بَمْ عِشْ عِیْ غَت.

هنوز چیزی از پیروزی انقلاب ملت ایران نگذشته بود که کفر جهانی، جنگی تمام عیار از خاک عراق بر کشور و نظام نوپای انقلاب تحمیل کرد، حزب بعث عراق، در نخستین روز جنگ، با استفاده از ۱۹۲ هواپیمای جنگی حمله‌ای گسترده آغاز کرد. او در همان آغاز جنگ، مناطق مسکونی، فرودگاه‌ها و کارخانجات شهرهای تهران، بوشهر، اهواز، دزفول، کرمانشاه، همدان، تبریز، اصفهان، سنندج، شهرکرد و دیگر شهرها را مورد حمله قرار داد و شهرهای مرزی سرپل ذهاب، قصر شیرین، سومار، مهران، موسیان، بستان، هویزه و روستاهای تابع این شهرها را اشغال کرد.

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۲۸۲۶.

کارشناسان و تحلیلگران مسائل سیاسی خاورمیانه و حوزه خلیج فارس معتقدند، دلیل اصلی حزب بعث برای جنگ علیه ایران، تسلط بر خلیج فارس بود. سرکرده این حزب می‌خواست، با تسلط بر منطقه استراتژیک خلیج فارس، خود را به عنوان ژاندارم این منطقه معرفی کند و از این طریق امتیازات سیاسی و اقتصادی فراوانی از کشورهای ثروتمند منطقه کسب کند.

یادآور می‌شود در تقویم کشور عزیزمان ایران، از روز آخر شهریور تا هفتم مهرماه به عنوان هفته دفاع مقدس خوانده می‌شود. وقتی سخن از پاسداشت ارزش‌های دفاع مقدس است دو مقوله متفاوت مطرح می‌شود، نخست انزجار و بیزاری از جنگ طلبی و تجاوز ناجوانمردانه دشمن و شناساندن دشمن به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ که از هوا، زمین و دریا بر مردم ما هجوم آورد. هفته دفاع مقدس اعلام شد تا به این وسیله نسل‌های آینده، دشمنان خود را بشناسند و در ضمیر خود احساس تنفر نسبت به آنان داشته باشند دشمنی که در سخت‌ترین شرایط می‌خواست موجودیت ملت مسلمان و انقلاب اسلامی مردم ایران را به مخاطره اندازد.

دوم اینکه هفته دفاع مقدس اعلام شد تا در پاسداشت این هفته، مردم هم به قدرت باورهای دینی و

توانمندی‌های خود مانند خودباوری، خود اتکایی، اعتماد به نفس پی ببرند، و هم از شهیدان، جانبازان و ایثارگران و خانواده آنان تجلیل شود که شجاعانه و با تأسی از سالار کربلا و راه و رسم آن امام شهید توانستند تهدید دشمن را به فرصت تبدیل کنند و امنیت، آزادی و استقلال را به کشور اسلامی بازگردانند.

نکته پایانی و اساسی که در این جا باید یادآور شد اینکه هرچند جنگ تمام شده است، لیکن دفاع همچنان باقی است و ما مسلمانان به استناد آموزه‌های اسلامی در تمام زمان‌ها باید آمادگی کامل دفاعی در برابر تهدید دشمن و خطر احتمالی او داشته باشیم. این توصیه قرآن است که فرمود:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ^۱؛ هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگر دشمنان که شما نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید.

پیامبر اکرم ﷺ در ضرورت دفاع از حیثیت خود فرمود:

إِنَّ اللَّهَ -عز وجل- يُغِضُ رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَ لَا يُقَاتِلُ؛^۱ خداوند دشمن می‌دارد مردی را که در خانه‌اش بر او حمله می‌شود و او نجنگد.

آن حضرت در جای دیگر فرمود: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ؛^۲ هرکس در راه حفظ مالش کشته شود به منزله شهید است.

امام علی (علیه السلام) نیز در ضرورت دفع خطر دشمن و جهاد علیه او، خطاب به فرزنداناش اما در واقع خطاب به همه شیعیان خود، فرمود:

الله الله فى الجهاد بأموالكم وأنفسكم وألسنتكم؛^۳ خدا را خدا را خدا را درباره جهاد با مال، جان و زبانتان در راه خدا.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۲.

۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۶۷.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۵۲.

بیست و هفتم برابر با اول مهر:

جلسه اول: آغاز سال تحصیلی و بازگشایی

مدارس

غیبه: سَت اُ شِدْ غِبْ سَلْتَشْرِیْ عَشْد،
گش تَشْرِیْ خ مَ ذْ شَا اَعْت، تَشَا قَغْ غَضْبِی
تَذ اُ یِه اَجْت اَعْت، ی تَشْرِیْ خ شِدْ غِبْ غِبْ
بِحِی اَعْت یِه تَلْد - چه ا و ر هَبْنِیْ بَحْیْ ذ-^۱
گر فِظْ جَان مِلْ مِلْ یِ ا عدهای از مِلْ مِلْ اَنْبَر
تَشْرِیْ ح تَوْف دَلْت هَبْتَد، و تَشْرِیْ ح غِبْ مِلْ مِلْ اَنْ
اَلْک اَنْ دَلْت هَبْت دَعْتَشْرِیْ ح مِلْ مِلْ اَنْ جَلْس لَلْت. و اَمّا
برای صرْف ی اْگِی رِی بدون اَنْک ه زَنْگِی مِلْ مِلْ یِ
مَوْف و فَبَر اَنْبَلْتَد، جَلْس رِیْس ت و مَوْجَب یِ ه لَلْت.
با آغاز سال تحصیلی در اول مهر، همه ساله
میلیونها دانش آموز، به شوق آموختن دانش، روانه
مدارس می شوند. این تکاپو جلوه زیبایی را به جامعه
می بخشد، گویی که خونی تازه به رگ های حیات کشور
وارد شده است و این چنین، تجسم پر معنایی از نسل
آینده به اذهان خطور می کند.

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۲۸۷۸ تا ۲۸۸۰.

به مناسبت بارگشایی مدارس چند حدیث ذکر می‌گردد، دو حدیث برای پدران و مادران که بدانند چه وظیفه‌ای در برابر فرزندان خود دارند و دو حدیث هم برای دانش‌آموزان و دانش‌جویان عزیز و دیگر افرادی که به نحوی به تحصیل اشتغال دارند و یا زین به بعد به تحصیل مشغول خواهند داشت. اما دو حدیث اولیای محترم:

۱. قال رسول الله -صلى الله عليه وآله-: **حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ**،^۱ رسول خدا ﷺ فرمود: حق فرزند بر پدرش این است که سواد نوشتن را به او بیاموزد.

۲. قال الصادق -عليه السلام- **إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ**؛^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خود به ارث می‌گذارند ادب است نه ثروت.

اما دو حدیث برای محصلان پر تلاش:

۱. متقی الهندی، **کنز العمال**، ج ۱۶، ص ۴۴۳، حدیث: ۴۵۳۴۰.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۸، ص ۱۵۰.

۱. قال رسول الله -صلى الله عليه وآله-: **إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ**^۱؛ فرشتگان بال خویش را جلو پای محصلات می گسترانند.

حال که این حدیث قشنگ را براتون خواندم اجازه می خواهم این داستان را که شهید ثانی در کتاب گرانسنگ منیه المرید آورده بیان کنم. او می گوید مردی رذل به نام «خلیع» وقتی این حدیث نورانی پیامبر ﷺ را شنید گفت: حال که چنین است من در کف کفش های خود میخ های می کویم تا بال فرشتگان مجروح گردد. او این کار را کرد ولی چیزی نگذشت که پای او دچار خوره شد.^۲

۲. قال رسول الله -صلى الله عليه وآله-: **رسول الله من كان في طلب العلم كانت الجنة في طلبه**؛ رسول خدا ﷺ فرمود: هر که در راه تحصیل علم باشد بهشت در راه به دست آوردن اوست.^۳

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، **عوالی اللالی**، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **منیه المرید**، ص ۱۰۸.

۳. متقی الهندی، علی، **کنز العمال**، ج ۱۰، ص ۱۶۲، حدیث: ۲۸۸۴۲.

جلسه دوم: نقش علم در بالندگی انسان

غیبه: ق غ غ کض ج ج غش غب ثش ا بی س ذ،
ش ا ی غ ت ی ه ت ل ر د، ن گ ش ث ه ث ذ ا ی
غ ب ی پی ت ض ث ش ا ت ص ا ث ه ت ل ر د ج ج ظ
اعت.^۱

در ادامه بحث بازگشایی مدارس و ضرورت علم
آموزی این مطلب را که علم نقش به‌زسایی در بالندگی
شخصیت دارد می‌افزاییم.

توضیح مطلب آنکه رشد و بالندگی انسان تنها با
رفتار ارادی و آگاهانه امکان پذیر است، بدیهی است که
تا علم و معرفت نباشد میل و اراده به کمال مطلوب
حاصل نمی‌شود، پس باید آموخت و معرفت لازم را
کسب کرد و از روی آگاهی گام در مسیر زندگی
گذاشت و حرکت تکاملی را آغاز کرد؛ چراکه حرکت
بدون علم و بصیرت، حرکت در ظلمت و تاریکی است
و حرکت در تاریکی رو به گمراهی و بیراهگی است.
امام رضا علیه السلام فرمود: **الْعَاقِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى
غَيْرِ الطَّرْقِ لَا تَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا**^۲
عمل کننده بدون آگاهی، مانند مسافری است که

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۲۸۸۳.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **الأمالی**، ص ۵۰۷.

بی‌راهه می‌رود و شتاب حرکتش جز دوری از راه سودی ندهد.

قرآن کریم در این باره که دانش و معرفت، آدمی را به مقام‌های والا می‌رساند می‌فرماید: **يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ^۱** خداوند درجات کسانی را که ایمان آورده اند و [نیز] آنان را که از علم برخوردار گشته‌اند بلند می‌کند.

تأثیر علم و معرفت در بالندگی انسان تا آنجاست که قرآن، علم و آگاهی را عاملی برای برتری انسان بر فرشتگان دانسته است.

آنگاه که خداوند از خلقت و خلافت انسان خبر داد: **"إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً"**

فرشتگان گفتند با وجود ما که تو را تقدیس و پرستش می‌کنیم چه نیازی به خلقت انسان است که در روی زمین فساد می‌کند: **"أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ"**

خداوند فرمود: من در او چیزی سراغ دارم که شما ندارید: **"قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ"**

^۱ . مجادله (۵۸): ۱۱.

سپس در قانع کردن فرشتگان موضوع علم و دانش انسان را پیش کشید. اینجا بود که فرشتگان کوتاه آمدند و به جایگاه بلند انسان به لحاظ برخورداری از علم الهی پی بردند.^۱

امام علی علیه السلام در اشاره به نقش علم در بالندگی و پویایی انسان فرمود: **الْعِلْمُ يَرْفَعُ الْوَضِيعَ وَ تَرْكُهُ يَضَعُ الرَّفِيعَ**^۲ دانش، آدم پست را بلند مرتبه می‌کند و فرو گذاشتن آن، بلند مرتبه را پست می‌گرداند.

^۱ . نک: بقره (۲): ۳۰ تا ۳۳ .

^۲ . قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودّه لذوی القربی**، ج ۲، ص ۴۱۵.

روز آخر ذیقعد: روز شهادت امام جواد علیه السلام

غیبه: رَسَّ آ اُعت مه اَصْفُ ثَبَّخ اَذَّ صرِغَه
 شش خ د اُجت م د مه گَی ی خِش شش ا - خذا اَصْ
 د د. صرِغَه ای که ی خ اَذَّ اَصْ ی غت ته گشت
 ثبث ذب ظگشت گ ی ذ: چب چه شریض خ ة ی د،
 شش ا - خ ذلش اُعت مه دت ب ث فوقیش ث ذ رَس
 اُص فی خ اُعت.

رَس م د ذ ثبی ذ ی ف، گبق و، ی حبس رَس س لثب و ص ذ
 اَصْ د د.^۱

یکی از حوادثی که در ماه ذیقعه واقع شده، شهادت
 مظلومانه جواد الائمه علیه السلام است. هرچند برخی احتمال داده‌اند
 که شهادت امام محمد تقی علیه السلام فرزند برومند امام رضا علیه السلام در
 پنجم ذیقعه،^۲ پنجم ذی‌الحجه^۳ یا ششم ذی‌الحجه سال
 ۲۱۹ ه.ق. واقع شده است،^۴ ولی آنچه در میان علما و مردم

۱. توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسئله ۲۶۴۰ تا ۲۶۴۲.

۲. نک: مرعشی نجفی، شهاب الدین، شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل،
 ج ۱۲، ص ۴۱۶.

۳. نک: اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۳۴۵.

۴. نک: فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۴۳.

معروف و مشهور است اینکه آن حضرت در آخر ماه ذیقعدۀ سال ۲۲۰هـ.ق. به شهادت رسیده است.^۱

آن حضرت در حالی که تنها ۲۵ سال و چند ماه از عمر شریفش سپری شده بود، با سفارش معتصم خلیفۀ وقت عباسی (فرزند هارون) و توسط دختر مأمون ام‌الفضل (همسر امام) مسموم و در بغداد شهید شد و در مقابر قریش پشت قبر امام موسی کاظم علیه السلام که امروز کاظمین خوانده می‌شود به خاک سپرده شد.

ذکر مصیبت

هرچند امام جواد علیه السلام در کودکی در سن هفت سالگی یتیم شد، اما حق این است که آن حضرت از چهار سالگی سایۀ پدر بر سر نداشت و گرد یتیمی بر صورتش نشست؛ زیرا تنها چهار بهار از عمر آن حضرت گذشته بود که پدرش به شیطنت مأمون خلیفۀ وقت عباسی مجبور شد مدینه را ترک کند و راهی ایران شود. انشاء الله خدا قسمت کند در چنین روزهایی در کاظمین کنار قبر آن امام باشیم و

۱. نک: کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۱، ص ۴۹۲؛ طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، ج ۶، ص ۱۹۰؛ ابن شهر آشوب، **مناقب آل‌ابی طالب**، ج ۳، ص ۴۸۶؛ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینایع الموده**، ج ۳، ص ۱۲۷؛ مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۵۰، ص ۱؛ نوبختی، حسن بن موسی، **فرق الشیعه**، ص ۱۰۰.

مشمول جود آن حضرت گردیم و از نزدیک بگوئیم یا جواد
الأئمه ادرکنی.

عزت عالمین می خواهم

طواف قبر حسین می خواهم

سفر کاظمین می خواهم

یا جواد الأئمه ادرکنی.

اعجاز در پذیرش مسئولیت امامت در کودکی

امام جواد (ع) نخستین امامی بود که در سن کودکی به
منصب امامت رسید، از این رو، پرسش‌های زیادی برای
مخالفان و موافقان مطرح می‌شد که چگونه یک کودک
می‌تواند مسئولیت حساس و سنگین امامت و پیشوایی
مسلمانان را بر عهده بگیرد؟!

البته این پرسش برای کسانی مطرح است که نسبت به
اصل امامت و جایگاه امامان شناخت نداشته باشند و ندانند
که علم ائمه (ع) علمی حضوری است نه حصولی و هر آنچه
که دارند از جنس دریافتنی است نه آموختنی، ولی برای
کسی که به جایگاه امامت آگاهی دارد، یا این گونه سؤال
طرح نمی‌شود و اگر طرح شود، پاسخ بسیار آسان است.
به ویژه که اگر اندکی با متون دینی آشنا باشد، خواهد فهمید

که قرآن نمونه‌هایی را آورده است که در سن کودکی عهده دار امر نبوت شدند.

قرآن درباره یحیی بن زکریا علیه السلام می‌فرماید: **يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ، وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا؛** ای یحیی کتاب الهی را با تمام قدرت بگیر، و ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم.^۱

قرآن در این باره که عیسی بن مریم علیه السلام در نخستین روزهای تولدش سخن گفت و به مقام نبوت نائل آمد، می‌فرماید:

قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، قَالَ إِنَّي عَبْدُ اللَّهِ أَتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا؛ گفتند: کودکی که در گهواره است چگونه می‌تواند سخن بگوید؟ عیسی گفت: من بنده خدا هستم، اوست که به من کتاب داد و مرا پیامبر قرار داده است.^۲

۱. مریم (۱۹): ۱۲.

۲. مریم (۱۹): ۳۰-۳۱.

ضمیمه

اقتصاد مقاومتی، چیستی و مفهوم‌شناسی

یکی از اهرم‌های فشار که از دیرباز مورد توجه دشمن بود و هست، موضوع اقتصاد است که از آن به عنوان حربه‌ای مؤثر، علیه ملت ایران استفاده کرده و می‌کند، انواع تحریم‌های اقتصادی از جمله این حربه‌هاست که دشمن، از همان آغاز پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران، علیه مردم به کار برده و روز به روز به توسعه می‌دهد.

بدیهی است که از همان ابتدا، دولت و مردم به این حربۀ دشمن توجه داشته‌اند و تاکنون در جهت خنثی سازی یا کم‌رنگ کردن نقشۀ دشمن اقداماتی انجام داده‌اند، یکی از این اقدامات، استفاده از عناوین اقتصادی برای چند سال اخیر از سوی رهبر معظم انقلاب است. عنوان‌های «نوآوری و شکوفایی» برای سال ۸۷، «اصلاح الگوی مصرف» برای سال ۸۸، «همت مضاعف و کار مضاعف» برای سال ۸۹، «جهاد اقتصادی» برای سال ۹۰ و «تولید داخلی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» برای سال ۹۱ و «حماسۀ

سیاسی و حماسه اقتصادی» برای سال ۹۲ از جمله این عناوین است که هرکدام ناظر بر جنبه‌ای از جنبه‌های اقتصاد است. سبب این نامگذاری‌ها رها کردن دولت و مدیران ارشد اقتصادی از غفلت در بخش اقتصاد است و اینکه عموم مردم را به این عرصه فراخواند؛ باشد که در سایه طرح این موضوع که همان جهاد اقتصادی است، تهدیدها به فرصت تبدیل شود و فشار دشمن کاهش یابد.

مفهوم شناسی

امروز نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران، در حوزه‌های اقتصادی با مفاهیمی مواجه است که تاکنون نه در عرصه‌های نظری مورد گفتگو قرار گرفته است و نه در عرصه عمل و تجارب بشری مشابه و مابه‌ازای واقعی داشته است؛ «اقتصاد مقاومتی» از جمله این مفاهیم است. بنابراین، درک درست از این مفهوم که الگویی جدید است، اهمیت بسیار دارد که در این مجال به توضیح مختصر آن می‌پردازیم:

۱- اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. آنچه که در آیه «و اقصد فی مَشِیک» آمده است نیز به همین معنی اشاره دارد.

از آن رو که اعتدال در هزینه‌های زندگی یکی از مصادیق میانه روی بوده و کلمه «اقتصاد» در این معنی زیاد استعمال شده است، عرف این واژه را در همین معنی به کار برده است.

۲- مقاومت

مقاومت به معنای پایداری، پافشاری و مطالبه یک «حق»، توسط کسانی که به لحاظ سیاسی و غیر آن در اقلیت یا در ضعف قرار دارند.

جریان پایداری ملت ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نمونه‌ای گویا بر این واقعیت است که در برابر نظام سلطه تلاش می‌کند تا به حق مسلم خود دست یابد. بنابراین، مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و سرعت دادن به آن تعریف می‌شود.

۳- اقتصاد مقاومتی

در چند سال اخیر آنگاه که در محافل خبری، سخن از بحران مالی برخی کشورهای اروپایی به میان می‌آید، بحث از ریاضت اقتصادی امری اجتناب‌ناپذیر است، این سیاست اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای جبران کسری بودجه، گاه به افزایش میزان مالیات و گرفتن آن از مردم مبادرت می‌کنند، و گاه به کاهش هزینه‌ها یا حذف ارائه برخی خدمات عمومی دست می‌زنند.

احتمال می‌رود که برخی از مردم، اقتصاد مقاومتی را به ریاضت اقتصادی تعریف کنند یا آن را یکی از شاخه‌های آن بدانند، اما حق این است که میان این دو اصطلاح تفاوتی فاحش وجود دارد و هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند؛ زیرا منظور از اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد فعال و پویاست نه اقتصادی منفعل و بسته.

در اقتصاد مقاومتی تلاش بر تشخیص حوزه‌های تهدید و فشار و کنترل آن است و در شرایط آرمانی، تبدیل تهدید و فشار به فرصت است. در این سبک از اقتصاد، کاهش وابستگی‌ها، توصیه بر خوداتکایی و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی است.

چیستی اقتصاد مقاومتی از نگاه رهبری

در چند سال اخیر با شدت یافتن تحریم‌ها علیه ملت ایران، تعبیر «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه شد، از این‌رو به فراخور حال، اقتصاد کشورمان مورد توجه و گفتگو قرار گرفته و در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبری ارائه داده و در دیدار با دانشجویان فرموده‌اند: اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که

برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند.

در سال ۹۱ نیز در دیدار با دانشجویان، در تبیین الگوی اقتصادی فرمودند:

اقتصاد مقاومتی فقط جنبه نفی نیست؛ این‌جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه عمومی است.^۱

گزیده سخن آنکه هرچند ممکن است در دراز مدت، اقتصاد ایران نیز، به سیاست‌های ریاضتی روی بیاورد، اما در حال حاضر، اقتصاد مقاومتی، به معنای اقتصاد ریاضتی نیست؛ چراکه اقتصاد مقاومتی بر خلاف اقتصاد ریاضتی که سطح مالیات را بالا می‌برد و هزینه‌های خدمات عمومی را کاهش می‌دهد، می‌گوید: چگونه هزینه‌ها را در قیاس با منابع مالی و درآمدها مدیریت کنیم تا بتوانیم حتی در

شرایط فشار و تهدید، اقتصادمان را بهبود بخشیم و وضعیت رفاه مردم را بالا ببریم.

لَا تَهَيِّدْ أَسْرَىٰ اِعْتِشْ اِيْ كَبْ يٰ طَرِثْ ذَنْ قَتَصِدْ
 قَبْ تَيْ هَسْ يٰ حَتَبِيْ بَ رِيْ ذِجَهْ تَهْيِيْ هِيْ
 ضَعْ هَسْ عِيْشْ يٰ حَتَبِيْ اَعْلَ ﷺ كَتَبَسْ لَبْ خِيْ (يٰ سَ)
 قَبْ كُظَبِيْ اَلَيْتْ هُرْشَتْ يٰ تَهْلَلْ يٰ هِيْ اَيْ اَيْسَ
 خَ اِيْ كُشْدَ.

كجیبہ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمہور احسائی، محمد بن علی، عوالی اللثالی، قم، سید الشہداء، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن بابوی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن بابویہ، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، قم، مؤسسۂ بعثہ، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۶. ابن بابویہ، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، نجف، الحیدریہ، ج ۱، ص ۱۹۹، ۱۳۸۵ق.
۷. ابن بابویہ، محمد بن علی (شیخ صدوق)، فضائل الأشهر الثلاثة، بیروت، دار المحجّہ، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
۸. ابن بابویہ، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، بیروت، مؤسسۂ اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن بابویہ، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضرہ الفقیہ، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرۃ الخواص، بیروت، مؤسسۂ اہل البیت، ۱۴۰۱ق.
۱۱. ابن شہر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، مطبعہ الحیدریہ، ۱۳۷۶ق.
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، دار الکتب الإسلامیہ، تہران، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. ابن عنبہ، احمد بن علی، عمدۃ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ۱۳۸۰ق.

۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ق.
۱۶. اسلامی جاسبی، قوام، بشارة المومنین فی تاریخ قم و قمیین، بی جا، ۱۳۹۴ق.
۱۷. امامی خاتون آبادی، محمدرضا، جنات الخلود، بی جا، ۱۳۷۸ق.
۱۸. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، شرح آقا جمال خوانساری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۱۹. امینی، عبدالحسین، الغدير، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۲۰. بهشتی، ابوالفضل، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، قم، بوستان کتاب، ص ۳۳، ۱۳۸۲ش.
۲۱. جعفر بن محمد، امام ششم، مصباح الشریعة، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۲۲. حاجی خلیفه، کشف الظنون، بیروت، احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة، قم، مکتبه المفید، بی تا.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق.
۲۵. حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.
۲۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
۲۷. رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، ۱۳۵۲ش.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۹. رجبی، محسن، آیینة مهر، نگاهی به القاب علی بن موسی الرضا، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۳۰. سبجانی، جعفر، محاضرات فی الالهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
۳۱. سپهر، عباسقلی خان، ناسخ التواریخ، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۵۷ش.
۳۲. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۳۳. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا، ترجمه محمد صالحی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ش.

۳۴. شهید ثانی، **منیة المرید**، الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۵. شوشتری، نورالله، **احقاق الحق وازهاق الباطل**، شرح و تعلیق سید شهاب‌الدین مرعشی، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی‌تا.
۳۶. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات الکبری**، تهران، مؤسسه الاعلامی، ۱۴۰۴ق.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، **اعلام الوری بأعلام الهدی**، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، **تاج الموالید**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶.
۳۹. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ طبری**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۸م.
۴۰. طبری، محمد بن جریر، **دلائل الامامه**، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، قم، دارالتقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، تهران، دار الکتب الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۴۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **منیة المرید**، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴۴. عباس‌زاده، سعید، **شیخ عبدالکریم حائری نگهبان بیدار**، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۴۵. عطاردی، عزیز الله، **مسند امام رضا**، مشهد، کنگره جهانی امام رضا، ۱۴۰۶ق.
4. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، **روضة الواعظین**، قم، انتشارات رضی، ۱۳۸۶ق.
4. فیض الاسلام، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**.
۴۸. قمی، عباس، **فوائد الرضویه فی احوال العلماء الجعفریة**، تهران، ۱۳۶۷ش.
۴۹. قمی، عباس، **انوار البهیة**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۵۰. قمی، عباس، **منتهی الآمال**، انتشارات فراوی، ۱۳۸۱ش.
۵۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینایع المودّة لذوی القربی**، دارالاسوه للطباعة، ۱۴۱۶ق.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ترجمه سید هاشم رسولی مصطفوی، مؤسسه علمیة اسلامیة.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الروضة من الکافی**، بیروت، دار التعارف، چاپ سوم، ۱۴۰۱ق.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.

۵۵. لیشی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکمة و المواعظ**، دار الحديث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۵۶. متقی الہندی، علی، **کنز العمال**، بیروت، مؤسسۃ الرسالہ، ۱۴۰۹ق.
۵۷. مجتہد بیرجندی، **وقایع الشہور**، تہران، اخوات کتابچی، ۱۳۵۲ق.
۵۸. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
۵۹. مدرسی طباطبائی، حسین، **برگی از تاریخ قزوین**، قم، کتابخانہ عمومی آیت اللہ العظمیٰ مرعشی، ۱۳۶۱ش.
۶۰. مرعشی نجفی، شہاب الدین، **شرح احقاق الحق و ازہاق الباطل**، قم، انتشارات کتابخانۂ آیت اللہ مرعشی.
۶۱. معلم، محمدعلی، **الفاطمۃ المعصومۃ**، مؤسسۂ تحقیقات و نشر معارف اہل البیت، بی تا.
۶۲. مفید، محمد بن محمد، **الاختصاص**، بیروت، دار المفید للطباعہ، ۱۳۷۴ش.
۶۳. مفید، محمد بن محمد، **الارشاد**، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۶۴. مفید، محمد بن محمد، **مسار الشیعہ**، بیروت، دارالمفید للطباعہ، ۱۴۱۴ق.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونہ**، دار الکتب الإسلامیۃ، تہران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۶۶. ملکی تبریزی، جواد، **المراقبات**، ترجمۂ ابراہیم محدث، قم، نشر اخلاق، ۱۳۸۳ش.
۶۷. مہدی پور، علی اکبر، **کریمۂ اہل بیت**، قم، نشر حاذق، ۱۳۷۴ش.
۶۸. میر عظیمی، سید جعفر، **بارگاہ فاطمۃ معصومہ**، **تجلیگاہ فاطمہ زہرا**، ۱۴۱۹ق.
۶۹. نمازی شاہرودی، علی، **مستدرک سفیۃ البحار**، قم، جامعۂ مدرسین، ۱۴۱۹ق.
۷۰. نوبختی، حسن بن موسیٰ، **فرق الشیعہ**، نجف اشرف، المکتبۂ الحیدریہ، ۱۳۵۵ق.
۷۱. نوری، حسین، **مستدرک الوسائل**، بیروت، آل البیت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۷۲. ہاشمی نژاد، عبد الکریم، **درسی کہ حسین بہ انسان ہا آموخت**، نشر شاہد، ۱۳۸۶ش.